



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پرتوی از فضائل امیر مومنان

علی
علیه السلام

مؤلفہ

حضرت آیت اللہ العظمی صافی

رحمۃ اللہ علیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتویی از فضایل امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه‌السلام در حدیث
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	سخن مترجم
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۵	علی علیه‌السلام هادی امت
۱۵	ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۵	علی علیه‌السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۶	یاد علی علیه‌السلام عبادت است
۱۶	پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه‌اند
۱۶	کارزار علی علیه‌السلام بر تأویل قرآن
۱۷	من به درختی مانم که ...
۱۷	علی علیه‌السلام حجت خدا بر بندگان
۱۷	افتخار به علی علیه‌السلام
۱۸	بشارت به علی علیه‌السلام
۱۸	جواز عبور از صراط
۱۸	همراه با پیامبر در بهشت
۱۹	بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه‌السلام را دارد
۱۹	حق امام علی علیه‌السلام بر عهده مسلمانان
۱۹	محبت امام علی علیه‌السلام، نابودکننده گناهان
۲۰	دوستی امام علی علیه‌السلام برائت از آتش
۲۰	محبت امام علی علیه‌السلام عمل صالح است
۲۰	امام علی علیه‌السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

- ۲۱ محبوب‌ترین مردم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۲۱ کامروایان رستاخیز
- ۲۱ مَحْرَم اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۲ بهترین راستگویان (صدیق اعظم)
- ۲۲ حامل لوای حمد
- ۲۳ منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۳ همانند هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام
- ۲۳ عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۳ چون ستاره صبح می درخشد
- ۲۴ علی علیه السلام در آمرزش الهی
- ۲۴ تقسیم‌گر آتش دوزخ
- ۲۴ نخستین گروه بهشتی
- ۲۵ خدایا! دوستش بدار
- ۲۵ پیشوای اهل تقوا
- ۲۶ علی علیه السلام در بهشت
- ۲۶ سهم علی علیه السلام از حکمت الهی
- ۲۶ علی علیه السلام و قرآن
- ۲۷ معیار ایمان و نفاق
- ۲۷ پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند
- ۲۷ نامیده شدن علی علیه السلام به امیر مؤمنان
- ۲۸ برتری ایمان علی علیه السلام بر هر ایمانی
- ۲۸ عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اثری ندارد
- ۲۹ پیام‌رسان برائت
- ۲۹ سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت‌پذیری

- ۲۹ علی علیه‌السلام کفو (همتای) فاطمه سلام الله علیها
- ۳۰ اگر در دل همه، مهر علی علیه‌السلام بود
- ۳۰ علی علیه‌السلام جدا کننده بین حق و باطل
- ۳۱ ارزش مبارزه علی علیه‌السلام
- ۳۱ دشمن علی علیه‌السلام غیر مسلمان است
- ۳۱ سزای توهین به علی علیه‌السلام
- ۳۱ نام علی علیه‌السلام بر سر در بهشت
- ۳۲ علی علیه‌السلام همانند سوره اخلاص است
- ۳۲ نظر به ماه رخسار علی علیه‌السلام عبادت است
- ۳۲ افضل امامان علیهم السلام
- ۳۳ حدیث جواز
- ۳۳ اسلام و ایمان علی علیه‌السلام
- ۳۳ موااسات امام علی علیه‌السلام
- ۳۴ امارت امیر مؤمنان علیه‌السلام
- ۳۴ دوستدار علی علیه‌السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه و آله است
- ۳۴ دور ساختن منافقان از حوض کوثر
- ۳۴ راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه‌السلام حرام است
- ۳۵ هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه‌السلام
- ۳۵ آزدن علی علیه‌السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله است
- ۳۵ همه درها جز در خانه علی علیه‌السلام را ببندید
- ۳۶ پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر دو سرا
- ۳۶ قاتل علی علیه‌السلام، تیره بخت‌ترین امت
- ۳۷ زینت علی علیه‌السلام
- ۳۷ صاحب حوض کوثر

- ۳۷ نخستین مسلمان
- ۳۸ علی علیه‌السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۸ برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۸ راه علی علیه‌السلام حق است
- ۳۹ کینه‌های پنهان
- ۳۹ پدرم فدای شهید تنها!
- ۴۰ هم‌درجه پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۰ پرسش در قیامت
- ۴۰ دوست علی علیه‌السلام مؤمن و دشمنش منافق است
- ۴۱ به دوستی علی علیه‌السلام فرزندان‌تان را بشناسید
- ۴۱ راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۲ بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام
- ۴۲ توصیه درباره علی علیه‌السلام
- ۴۳ خداوند، دل علی علیه‌السلام را به ایمان آزموده است
- ۴۳ علم علی علیه‌السلام
- ۴۴ حکمت امام علی علیه‌السلام
- ۴۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله در مبارزه است با دشمن علی علیه‌السلام
- ۴۴ اولین از اولوا الامر
- ۴۵ وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۴۵ پیشی گیرندگان
- ۴۶ برترین انسان‌ها
- ۴۶ بهترین انسان
- ۴۶ نخستین مسلمان
- ۴۶ هم‌نشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت

۴۷	اطاعت علیعلیه‌السلام، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۷	خصال سه گانه
۴۸	حدیث کساء
۴۸	علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند
۴۸	فضائل ویژه علی علیه السلام
۴۹	خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۰	معلم و مربی امام علی علیه‌السلام
۵۰	قرین قرآن
۵۰	امام علی علیه‌السلام بهترین امت
۵۱	سرانجام ما و شیعیان
۵۱	خدا با علی علیه‌السلام راز گفت
۵۱	مهرورزی به امام علی علیه‌السلام
۵۲	همانند انبیا علیهم السلام
۵۲	جوان مردی جز علی علیه‌السلام نیست
۵۲	امام اولیای خدا
۵۳	امیر نیکوکاران
۵۳	پیروان علی علیه‌السلام
۵۳	خداوند او را بیشتر دوست دارد
۵۴	فهرست منابع
۵۸	آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف در یک نگاه
۸۰	درباره مرکز

پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -
 عنوان و نام پدیدآور: پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث / لطف‌الله صافی گلپایگانی.
 مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.
 شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۳۱۸-۰.
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۲ - ۱۰۸.
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل -- احادیث
 شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)
 رده بندی کنگره: BP۳۷/۴/ص ۱۵۶ پ ۴ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۰۴۳۱

سخن مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

و اياه نستعين

گفتن و نوشتن درباره شخصیتی که برتر از وصف، بالاتر از اندیشه و والاتر از جوهر کلام است و فضایل و مناقب ارزنده‌اش به قدری زیاد و فراوان است که قابل احصاء و احاطه نیست، کاری بسی دشوار، بلکه بدون هدایت خداوند سبحان غیر ممکن است. در حدیثی از پیامبر اقدس صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام آمده است:
 ای علی! جز خدا و من کسی تو را آن‌سان که شایسته است، نشناخت. [۱]
 ابعاد مختلف و به ظاهر متضاد وجود ذی جود آن حضرت را کسی می‌تواند درک و توصیف کند که از او بالاتر باشد یا همتای او. و به مصداق کلام معروف: «معرف باید اجلی از معرف باشد» چه می‌تواند بگوید انسان ملکی درباره انسانی ملکوتی که «فضائلش به شماره نمی‌آید»؟ [۲] و بنابراین فرموده رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله «اگر جنگل‌ها همه قلم و دریاها همه مرکب و پریان شمارشگر و انسان‌ها نگارگر شوند، نمی‌توانند

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰

فضائل علی بن ابی طالب را برشمرند. [۳]

از این رو، بی‌تردید بهترین و مستندترین منبع برای شناخت علی علیه‌السلام، قرآن مجید و سخنان نغز و شیرین رسول خدا

صلی الله علیه و آله است.

با توجه به آنچه گفته شد بسیاری از نویسندگان بهتر آن دیده‌اند که سیمای درخشانده امیر مؤمنان علیه السلام را در آینه احادیث نبوی به نظاره بنشینند و بنگرند معلم و مربی امیر مؤمنان علیه السلام آن حضرت را چگونه معرفی و توصیف می‌کند. یکی از عالمان برجسته که بیان فضائل، ویژگی‌ها و برجستگی‌های امام امیر المؤمنین علی را مدنظر داشته و به بازشماری قطره‌ای از دریای بیکران فضائل امام علیه السلام از لسان گهربار نبی مکرم صلی الله علیه و آله از کتب و منابع عامه پرداخته است، آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظلّه الوارف است. چرا این کتاب را ترجمه کردیم؟

چون ترجمه این گونه کتاب‌های پر ارج برای شیعیانی که نمی‌توانند از منابع عربی استفاده کنند، سود بخش خواهد بود. زیرا مایه استواری ساختارهای اعتقادی و داد و اعتماد آنان شده و به جانشان نورانیت و به دلشان صفا و به اندیشه‌شان روشنایی و به خود آنان آگاهی می‌بخشد، صاحب این قلم از سر عشق و ارادتی که به سرور پرهیزکاران و امیرجان مؤمنان

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱

داشت، و بر حسب وظیفه، با استمداد از عنایت ایزدی به ترجمه آن پرداخت تا آن عده از برادران و خواهران ایمانی که بهره کافی از زبان عربی ندارند از این کتاب ارزشمند بی‌نصیب نمانند.

کاری که ما در این اثر انجام داده‌ایم

علاوه بر ترجمه، برای احادیث کتاب، تیتراژ گذاشته و فهرست منابع را به طور مستقل در پایان کتاب افزودیم. در موارد معدودی توضیحاتی را در متن یا پانوش، داخل [] آورده‌ایم.

امید است این خدمت ناچیز در پیشگاه با عظمت حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقبول افتد و مؤلف محترم، مترجم و ناشر مشمول رحمت بیکران حق تعالی و عنایات خاصه ولی او قرار گیرند. بمنّه و کرمه.

قم / آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله

ناصر باقری بیدهدنی

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳

مقدمه مؤلف

بنام خداوند بخشنده مهرورز

وَمَاذَا يَقُولُ النَّاسُ فِي مَدْحٍ مَنْ أَتَتْ

مَدَائِحُهُ الْغَرَاءُ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ

چه می‌توان گفت در مدح شخصیتی که مدح و منقبت بلندش در قرآن کریم آمده است.

سکوت معنی دار فصحا و بلغا و علما و حکما و عرفا و اولیاء از ذکر مناقب امام امیر المؤمنین علیه السلام - برادر رسول خدا، همسر فاطمه زهرا، داناترین مردم، کسی که در خداشناسی و عبادت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین شخصیت است - گویاتر از مدیحت‌سرایی و ذکر فضائل و مناقب و مراتب رفیع و مقامات والا - و حضور شکوهمند او در صحنه‌های مختلف و معجزات آشکار و عجائب زندگی اوست.

از این رو اعتراف به عجز در پیشگاه مقدس و با عظمت آن حضرت برای همگان بهتر است. سروری که رسول خدا صلی الله علیه و

آله در خطابی درباره‌اش فرمود: «اگر انسان‌ها نویسنده و پریان حسابگر شوند، نمی‌توانند فضائل را بنگارند.»
 امیر المؤمنین علیه السلام شخصیتی است که خداوند متعال فضائلی غیر قابل شمارش برایش قرار داد. فرزانه‌ای که پروردگار سبحان در شب معراج با پیامبرش با صدای دلربای

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴

حضرت علی علیه السلام تکلم کرد. [۴]

همو که بعضی اصحاب در فراوانی فضائلش گفته‌اند: «علی سوابق درخشانی دارد که اگر سابقه‌ای از آن را بین همه آفریدگان توزیع کنند همه به خیر می‌رسند.» [۵]

آن حضرت، بزرگترین نشانه خدای متعال و علم و قدرت و سائر صفات برجسته اوست و در عالم امکان مانندی جز پسر عمش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندارد. همو که حضرت رسول صلی الله علیه و آله حامی بی‌نظیر او بود. آن سیرور اسوه جانفشانی و در نصرت حق و اقامه عدل، یگانه و در اعلاء کلمه الله فوق العاده بود. با ضعف ترحم و با فقرا مواساتی عظیم داشت. از خدای متعال خوفی فراوان بر دل داشت. و افصح و ابلیغ همگان بود و در خوراک و پوشاک و در تمامی احوال و افعال با عظمت بود.

بلند مرتبه است خدای علی مرتبه عظیم، آفریننده چنین انسانی و ودیعت گذارنده این عظمت‌ها و کمالات در این آفریننده. بزرگ است خدایی که چنین انسانی در مقابل عظمتش گرنش می‌کند و در مقابل جلال و جبروت و سلطنتش خود را کوچک می‌داند و از کبریایی‌اش خائف و ترسان است و در مقابل ذات پاکش به عجز و فقر اعتراف دارد. و اوست کسی که گفت:

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵

الهی کفی لی عزاً أن اكون لك عبداً، وكفی لی فخراً أن تكون لی رباً

خدای من همین عزت مرا بس که بنده تو باشم و برای من افتخار همین بس که تو خدای منی.

اوست ممسوس در ذات حق، و بسیار گریان از خشیت الهی و مجاهد در راه خدا. اوست صراط مستقیم و عروة الوثقی و حبل الله متین، و میزان اعمال، و تقسیم‌گر بهشت و دوزخ، و دست باز خداوندی و دیده بینای حق و حجت بالغه‌اش.

حضرت امیر علیه السلام در نامه‌ای که به معاویه نوشت فرمود:

فأنا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا

ما ساخته و تربیت یافته مستقیم پروردگاریم و مردم تربیت شده ما هستند.

ابن ابی الحدید در ذیل آن می‌نویسد: «این سخن بزرگ و برترین سخن است و معنایش سرآمد معانی، و ساخته و پرداخته خداوندگاری که خدایش صانع اوست و منزلتش را رفیع و سرآمد مصنوعات نمود.

حضرت می‌فرماید: احدی از انسان‌ها بر ما نعمت ندارد، تنها خداست که بر ما نعمت داده است. بین ما و بین او واسطه‌ای در کار نیست. دیگران به وسیله ما تربیت شده‌اند و ما واسطه بین خدا و آنان هستیم و این مقام بلندی است. ظاهرش این است که شنیدی، و باطنش آن است که آنان بندگان خدا هستند و مردم بنده آنان.» [۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶

و از سوی دیگر صاحب این مفاخر عظیم را می‌بینیم که از خوف خدا چون مار گزیده به خود می‌پیچد!

و آن گونه که بعضی از یارانش [ضرار پسر حمزه ضبابی [۷] او را توصیف کرده دارای چشمی گریان، و متفکر بود وقتی با خود

خلوت می‌کرد به محاسبه نفس می‌پرداخت.

و می‌گفت: «آه از کمی زاد و توشه و دوری راه و کمی انس، علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های زودگذر چه کار؟» و می‌فرمود: «بدان که امام شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنی‌هایش به دو قرص نان، بسنده کرده است به خدا قسم! از دنیایان شمش طلایی، و از غنایم ثروتی نیندوخته‌ام و حتی این پیراهنی که پوشیده‌ام را تن پوش دیگری فراهم نکرده‌ام.» [۸] چه بگوییم از نفس پیامبر که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرموده بود: «تو می‌شنوی آنچه من می‌شنوم و می‌بینی آنچه من می‌بینم جز آنکه تو نبی نیستی.» [۹]

از این رو آنچه ما درباره امیر المؤمنین و مولی الموحدین می‌گوییم چون قطره‌ای است در مقابل دریا و ذره‌ای است در مقابل خورشید. پس عقول جهانیان و زبان ستایش‌گران، کوچک‌تر و نارساتر از آن است که حق این امام همام را ادا کند. لکن از همان آغاز که خود را شناختم نسبت به یادمان آن

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷

حضرت و فرزندان گرامش حرص و ولع داشتم و این امر به مرور ایام و گذشت سال‌ها فزونی می‌یافت و شوقم بیشتر می‌شد و قلبم به مطالعه احادیث و آثار و استماع مناقب و مدایحشان نورانی می‌گردید.

و گویا شاعر، این اشعار را به زبان حال من سروده است:

حب آل الرسول خالط عظمی و جری فی مفاصلی فاعذرونی

أنا والله مغرم بهواهم عللونی بذکرهم عللونی

لا عذب الله أمی أنّها شربت حب الوصی وغدتنیه بالبن

کان لی والد یهوی أبا حسن فصرت من ذی وذا أهوی أبا حسن

«محبت خاندان پیامبر با استخوانم در آمیخته و در مفاصلم جریان پیدا کرده پس مرا معذور دارید.

خدا را سوگند که من شیفته آنان هستم.

با یاد آنان مرا از خود، بی‌خود کنید.

مادرم را عذاب خدا فرا نگیرد که جام عشق علی پیمود و از راه شیر به کامم فرو ریخت.»

و پدری داشتم شیفته ابو الحسن علی، و مرا شیفتگی علی از این پدر و مادر به ارث است.

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸

در این کتاب صد و ده [۱۰] حدیث در مناقب حضرت از جوامع حدیثی اهل سنت از مسانید و صحاح سته و غیر آنها به‌گزین کردم و آن را «قبس من مناقب امیر المؤمنین» نامیدم.

ناگفته نماند که احادیث وارده در کتاب‌های اهل سنت درباره حضرت علی علیه السلام فوق العاده فراوان است. به رعایت اختصار و این که گفته‌اند گاه مختصر مفید، انسان منصف بصیر را از مراجعه به موسوعه‌های بزرگ و مجلات متعدد بی‌نیاز می‌کند؛ بر این تعداد بسنده کردم و اوست یاور و مددکار.

و حمد ویژه خدایی است که ما را بدین موهبت عظمی رهنمون شده و اگر هدایت الهی نبود ما بدین امر هدایت نمی‌شدیم. و صلی الله علی سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم محمد و آله الطاهرین.

و دوست دارم این مقدمه را به مُشک صلوات بر محمد و آل با نقل این ابیات خاتمه بخشم:

یا ربّ صل علی النبی و آله از کی الصلاة و خیرها و الأطفیا

یا ربّ صلّ علی النبی وآله ما اهتزت الأثلاث من نفس الصبا
یا ربّ صلّ علی النبی وآله ما لاح برق فی الأباطح أوخبا

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۹

یا ربّ صلّ علی النبی وآله ما قال ذو کرم لضعیف مرحبا
یا ربّ صلّ علی النبی وآله ما أمت الزوار طیبه یثربا
یا ربّ صلّ علی النبی وآله ما غردت فی الإیکک ساجعه الربا
یا ربّ صلّ علی النبی وآله ما کوکب فی الجو قابل کوکبا
یا ربّ صلّ علی النبی وآله سفن النجاه الغر أصحاب العبا
یا ربّ صلّ علی النبی وآله فی الحشر إذ يتساءلون عن النبا [۱۱]

بار الها! بر پیامبر و آتش درود فرست.
پاکیزه‌ترین و بهترین و شایسته‌ترین درودها را.
پروردگارا! بر پیامبر و آتش درود فرست.
مادامی که درخت اثلاث از نفس باد صبا در اهتزاز است.
خداوندا! بر پیامبر و خاندانش درود فرست.
تا زمانی که آذرخشی در زمین‌های هموار بدرخشد.
ایزدا! بر پیامبر و آتش درود فرست.
تا آن‌گاه که انسان کریمی به میهمان خود خوش آمد گوید.
خداوندا! بر رسول خود و خاندانش درود فرست.
تا موقعی که زائری هست که آهنگ یثرب کند.

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۲۰
بار پروردگارا! بر پیامبر اعظم و خاندانش درود فرست.
تا لحظه‌ای که پرنده خوش‌خوان بر شاخسار درخت بخواند.
بار الها! بر حضرت رسول و عترتش درود فرست.
مادام که در آسمان ستاره‌ای در مقابل ستاره‌ای قرار می‌گیرد.
خداوندا! بر پیامبر و آتش درود فرست.
[همان کشتی‌های نجات و اصحاب عبا.
و قرار بده آنان را شفیعان ما.
در روز رستاخیز آن‌گاه که می‌پرسند از خبرها.
پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۲۱]

۱

علی علیه السلام امیر غدیر

عن زید بن أرقم و جماعة من الصحابة، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَاَدِ مَنْ عَادَاهُ.

زید بن أرقم و گروهی از صحابه روایت کرده‌اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس را که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست. خدایا یاران او را یاری و دشمنانش را دشمن بدار. [۱۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۲۳

۲

علی علیه السلام هادی امت

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا الْمُنْدِرُ وَعَلِيٌّ هَادِي - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ وَقَالَ: بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن سرور فرمود:

من بیم‌دهنده‌ام و علی هدایت کننده- و با دستش به علی علیه السلام اشاره کرده، فرمودند: به واسطه تو هدایت شوندگان راه می‌یابند و هدایت می‌شوند. [۱۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۲۵

۳

ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علي عليه السلام و ابن عباس و جابر بن عبد الله: قال صلى الله عليه وآله:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

علی علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هر کس طالب علم باشد از دروازه آن وارد شود. [۱۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۲۸

۴

علی علیه السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ كَفَّتَاهُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خِيَوْتُهُ، وَفَاطِمَةُ عِلَاقَتُهُ، وَالْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِي عَمُودُهُ، يُوزَنُ بِهِ أَعْمَالُ الْمُحْسِنِينَ لَنَا وَ الْمُبْغِضِينَ لَنَا.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که حضرت فرمود:
 من میزان علمم، و علی دو کفه‌اش، و حسن و حسین بندهایش و فاطمه آویزه (شاهینش)، و امامان بعدی دستگیره آن هستند، که در
 آن کارهای محبان و دشمنان ما وزن و سنجیده می‌شود. [۱۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۲۹

۵

یاد علی علیه السلام عبادت است

عن عایشه و ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
 ذُكِرَ عَلِيٌّ عِبَادَةً.

عایشه و ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود:
 یاد کردن از علی عبادت است. [۱۶]

[توضیح: مناوی گوید: یعنی عبادت خداست و خدا در برابر آن پاداش می‌دهد.]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۰

۶

پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه‌اند

عن ابن عباس، قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
 أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَالنَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند:

من و علی از یک درخت آفریده شدیم و مردم از درختان متعدد. [۱۷]

[توضیح: ریشه نسبی مقصود نیست. «اشاره به نور نبوت و ولایت است که از این دو از ازل یک جلوه می‌کردند هنگامی که این نور
 نبوت و ولایت به صلب عبدالمطلب رسید، از هم جدا شده، یکی به پشت ابوطالب منتقل گردید و دیگری در صلب عبدالله».]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۱

۷

کارزار علی علیه السلام بر تأویل قرآن

عن وهب بن صیفی: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

أَنَا أَقَاتِلُ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ، وَعَلِيٌّ يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ.

وهب بن صیفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که حضرت فرمود:
 من برای تنزیل قرآن کارزار می‌کنم و علی در ارتباط با تأویل آن نبرد می‌کند. [۱۸]

[توضیح: یکی از معاصران در ذیل حدیث فوق این بیان را دارد:

مراد از تنزیل قرآن، تصدیق به وحی بودن آن است که پیغمبر برای آن جهاد کرد؛ و مراد از تأویل قرآن، فهم صحیح آن و عمل کردن به احکام آن است، که علی در جنگ جمل و صفین و نهروان انجام داد. (عترت ثقل کبیر، ص ۱۹۶)]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۲

۸

من به درختی مانم که ...

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ حِمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَالْمُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرُقُهَا مِنَ الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

من به درختی مانم که فاطمه باردان آن و علی بارور سازنده آن، حسن و حسین میوه آن و دوستاناران خاندانم برگ‌های آن درخت‌اند که آن درخت و توابعش از بهشت‌اند. [۱۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۳

۹

علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا وَعَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ.

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

من و علی حجت خدا بر بندگانش می‌باشیم. [۲۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۴

۱۰

افتخار به علی علیه السلام

عن جابر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبَاهِي بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كُلَّ يَوْمٍ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ حَتَّى يَقُولَ: بَخَّ بَخَّ هَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ.

جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که حضرت فرمود:

خداوند با عزت و جلال هر روز بر فرشتگان مقربش به علی بن ابی طالب افتخار می‌کند. تا آنجا که می‌گوید: «به به! ای علی گوارا

باد بر تو.» [۲۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۵

۱۱

بشارت به علی علیه السلام

عن شراحیل بن مره قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله:

أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ حَيَاتِكَ مَعِيَ وَوَمَوْتِكَ مَعِيَ.

شراحیل فرزند مره گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

ای علی! بشارت باد که زندگی و مرگ تو با من است. [۲۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۶

۱۲

جواز عبور از صراط

عن أبي بكر قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله يقول:

لَا يَجُوزُ أَحَدٌ الصِّرَاطَ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلَيْنِ الْجَوَازَ.

ابوبکر گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمود:

احدی از پل صراط نمی گذرد جز کسی که از علی جواز عبور داشته باشد. [۲۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۷

۱۳

همراه با پیامبر در بهشت

عن عمر، قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله يقول لعلی:

يَا عَلِيُّ يَدُكَ فِي يَدِي تَدْخُلُ مَعِيَ الْجَنَّةَ حَيْثُ أُدْخَلُ.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی فرمود:

ای علی! روز قیامت در حالی که دست تو در دست من باشد وارد بهشت می شوی و من هر کجا که داخل شدم، وارد خواهی

شد. [۲۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۸

۱۴

دشمنی علی علیه السلام و خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله

عن جابر بن عبد الله، عن رسول الله صلی الله علیه وآله:

ثَلَاثٌ مَنْ كَنَّ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُ: بُغْضُ عَلِيٍّ، وَبُغْضُ أَهْلِ بَيْتِي، وَمَنْ قَالَ: الْإِيمَانُ كَلَامٌ.

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

سه چیز است در هر که باشد از من نیست و من از او بیزارم: دشمنی علی، بغض خاندانم و هر کس معتقد است که ایمان صرف گفتار می باشد. [۲۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۳۹

۱۵

بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه السلام را دارد

عن أنس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

ثَلَاثَةٌ تَشْتَاقُ إِلَيْهِمُ الْجَنَّةُ: عَلِيٌّ وَعَمَارٌ وَسَلْمَانٌ.

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که حضرت فرمود:

بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می برد: علی، عمار و سلمان. [۲۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۰

۱۶

حق امام علی علیه السلام بر عهده مسلمانان

عن جابر: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

حَقُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ.

جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

حق علی بن ابی طالب بر مسلمانان چون حق پدر است بر فرزندش. [۲۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۱

۱۷

محبت امام علی علیه السلام، نابودکننده گناهان

عن ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الدُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

دوستی علی بن ابی طالب گناهان را می خورد چنانچه آتش، هیزم را. [۲۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۲

۱۸

دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش

عن عمر بن خطاب: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است. [۲۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۳

۱۹

محبت امام علی علیه السلام عمل صالح است

عن معاذ بن جبل: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يَبْصُرُ مَعَهَا سَيِّئَةٌ، وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ.

معاذ بن جبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که حضرت فرمود:

محبت علی بن ابی طالب حسنه‌ای است که با وجود آن، گناه زیان نمی‌رساند، و دشمنی او گناهی است که با وجود آن، هیچ عمل نیکی سودی نمی‌بخشد. [۳۰]

[توضیح: زمخشری در توضیح این گونه احادیث می‌نویسد: زیرا دوستی علی علیه السلام ایمان کامل است و با ایمان کامل گناهان ضرری نمی‌زنند.]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۴

۲۰

امام علی علیه السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن عائشة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله و هو في بيتي لما حضره الموت:

ادْعُوا لِي حَبِيبِي. فَدَعَوْتُ أَبَا بَكْرٍ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَهُ، ثُمَّ قَالَ: ادْعُوا لِي حَبِيبِي. فَقُلْتُ: وَيْلَكُمْ ادْعُوا لَهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَوَاللَّهِ مَا يُرِيدُهُ غَيْرِهِ، فَلَمَّا رَأَاهُ أَشْتَمَتْنِي جَالِسًا، وَخَرَجَ الثَّوْبَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ، ثُمَّ ادْخَلَهُ فِيهِ، فَلَمْ يَزَلْ يَحْتَضِي نَهْ حَتَّى قُبِضَ وَيَدُهُ عَلَيْهِ.

از عایشه نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرضی که بدان وفات یافت در بیت من بود که فرمود:

حبیب مرا به نزد من بیاورید. من (پدرم) ابوبکر را دعوت کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله بدو نگریست و آن‌گاه سر خود را بر بالین نهاد و همان سخن را تکرار کرده فرمود: «حبیب مرا به نزد من بیاورید». به حاضران گفتم: وای بر شما علی بن ابی طالب را نزد او آورید که به خدا سوگند جز او کسی را نمی‌طلبد! چون علی را مشاهده کرد از بستر جدا شد و پوششی را که بر رویش بود عقب زد و علی را در

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۵

زیر آن برد و همچنان او را در آغوش داشت تا از دنیا رحلت کرد در حالی که دستش بر بدن علی بود. [۳۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۶

۲۱

محبوب‌ترین مردم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله

عن معاذ الغفاریه:

كُنْتُ أُنِيساً لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْرَجَ مَعَهُ فِي الْأَسْفَارِ، أَقْوَمُ عَلَى الْمَرْضَى، وَادَاوِي الْجَرْحَى. فَدَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْتِ عَائِشَةَ وَ عَلِيٌّ خَارِجٌ مِنْ عِنْدِهَا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ لِعَائِشَةَ: إِنَّ هَذَا أَحَبُّ الرِّجَالِ إِلَيَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ، فَأَعْرِفِي لِي حَقَّهُ، وَ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ.

از معاذ غفاری روایت است که گفت:

من انیس و همدم رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم به طوری که با ایشان به سفرها می‌رفتم، و از سوی آن جناب بر بالای سر مریض‌ها حاضر می‌شدم، و جراحت زخم‌خوردگان را مداوا می‌کردم. روزی به دیدار پیامبر که در بیت عایشه بود رفتم در این هنگام علی در خارج از منزل حضور داشت. شنیدم حضرت، سفارش علی را به عایشه می‌کرد و فرمود: «این محبوب‌ترین مردان نزد من و گرامی‌ترین آنها برای من است، پس به خاطر من حق او را بشناس و

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۷

جایگاه او را گرامی بدار.» [۳۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۸

۲۲

کامروایان رستاخیز

عن أم سلمة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلَيٌّ وَ شِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ام سلمه روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

علی و پیروانش در روز قیامت رستگاران‌اند. [۳۳]

[نکته: از این گونه احادیث که کلمه «شیعه» به زبان مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله صادر شده می‌توان فهمید که نخستین کسی که بذر تشیع را در سرزمین اسلام پاشیده، شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۴۹

۲۳

محرم اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سلمان: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

صَاحِبُ سِرِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از سلمان روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

صاحب سِرِّ من علی بن ابی طالب است. [۳۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۰

۲۴

بهترین راستگویان (صدیق اعظم)

عن داود بن بلال بن أجنحة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

الصَّدِيقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبُ النَّجَارِ، وَحَزْقِيلُ الْمُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَالثَّلَاثُ أَفْضَلُهُمْ.

داود بن بلال بن اجنحه روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

صدیقین سه نفرند: حبیب نجار، حزقیل مؤمن آل فرعون، علی بن ابی طالب که از همه آنها با فضیلت تر است. [۳۵]

[توضیح: حبیب، فردی است که از جای دور دست شهر با شتاب آمد و مردم انطاکیه را پند داد که از فرشتگان خدا پیروی کنید. داستانش در سوره مبارکه یس است.

مؤمن آل فرعون همان است که ایمانش را از فرعونیان پنهان می‌داشت و آنان را از مخالفت با موسی علیه السلام باز

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۱

می‌داشت و می‌گفت: «آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگارم خداست؟»

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۲

۲۵

حامل لوائی حمد

عن محدوج بن زيد الذهلي - في حديث - قال النبي صلى الله عليه وآله لعلی:

ألا- وَإِنِّي أَخْبِرُكَ يَا عَلِيُّ إِنَّ أُمَّتِي أَوَّلُ الْأَمَمِ يُحَاسِبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ ابْتَشَرَكَ بِأَنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يُدْعَى لِقِرَائَتِكَ مِنِّي وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدِي فَيُدْفَعُ إِلَيْكَ لِوَاءُ الْحَمْدِ وَهُوَ أَوَّلُ لِوَاءٍ يُسَارُّ بِهِ بَيْنَ السَّمَاوَاتِ؛ أَدَمُ وَجَمِيعُ خَلْقِ اللَّهِ يَسْتَبْطُونَ بظِلِّ لِوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

محدوج بن زید ذهلی در ضمن حدیثی نقل می‌کند که رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندانش باد-، به علی علیه السلام فرموده است:

آگاه باش امتم نخستین امت‌هاست که در رستاخیز محاسبه می‌شوند، بشارت باد که تو به لحاظ قرابت و خویشاوندی که با من داری و به جهت موقعیت و منزلتی که پیش من داری اولین کس هستی که خوانده می‌شوی و پرچم حمد من در اختیارت گذاشته می‌شود و آن نخستین پرچمی است که در

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۳

بین دو گروه به اهتزاز در می‌آید. همه آفریدگان، روز رستاخیز در سایه پرچم من‌اند. [۳۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۴

۲۶

منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عمران بن حصین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي.

از عمران بن حصین روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی از من است و من از او هستم، و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است. [۳۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۵

۲۷

همانند هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام

عن عمر و أنس و جابر بن عبدالله و غیر هم: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ (بَعْدِي).

از عمر و انس و جابر بن عبدالله و غیر آنان روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

نسبت علی به من همان نسبتی است که هارون به موسی داشت منهای نبوت. [۳۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۷

۲۸

عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ بَدَنِي.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی، به منزله سر از جسد من است. [۳۹]

[علامه مناوی در شرح آن می نویسد: این سخن مبالغه در شدت اتصال و پیوند آنها با یکدیگر است.]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۸

۲۹

چون ستاره صبح می درخشد

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
عَلِيٌّ بُنُّ أَبِي طَالِبٍ يَزْهَرُ فِي الْجَنَّةِ كَكَوْكَبِ الصُّبْحِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.

از انس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی بن ابی طالب در بهشت می درخشد چنان که ستاره صبحگاهی بر اهل دنیا می درخشد. [۴۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۵۹

۳۰

علی علیه السلام در آموزش الهی

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ بُنُّ أَبِي طَالِبٍ بَابُ حِطَّةٍ، مَنْ دَخَلَ مِنْهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی بن ابی طالب باب حطه بنی اسرائیل است کسی که از آن در وارد شود مؤمن است و کسی که از او خارج گردد کافر است. [۴۱]

[توضیح: لفظ حطه دو بار در قرآن به کار رفته است: سوره بقره، آیه ۵۸ و سوره اعراف، آیه ۱۶۱ و هر دو درباره بنی اسرائیل است. باب حطه آن دری بود که بنی اسرائیل با وارد شدن از آن، در امان بودند. شاید وجه شبه در حدیث چنین باشد که آن باب مظهر فروتنی در مقابل ذات لایزال الهی و قوانین اوست. انقیاد از علی علیه السلام هم، چنین است.

مقصود از «خرج منه»، «خرج علیه» است. یعنی کسی که بر او خروج کند. نیز نک: فیض القدير، ج ۴، ص ۳۵۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۰

۳۱

تقسیم گر آتش دوزخ

عن حذيفة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ قَسِيمُ النَّارِ.

از حذیفه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی تقسیم گر آتش دوزخ است. [۴۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۱

۳۲

نخستین گروه بهشتی

عن علي عليه السلام قال: أخبرني رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَجِبُونَا؟ قَالَ: مِنْ وَرَائِكُمْ.

از علی نقل است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود:

همانا نخستین گروهی که به بهشت در آیند من و فاطمه و حسن و حسین می‌باشیم.

پرسیدم: «دوستانان ما چه موقعیتی دارند؟»

فرمود: «ایشان به دنبال سر شما وارد بهشت می‌شوند.» [۴۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۲

۳۳

خدایا! دوستش بدار

عن انس بن مالک اهدی لرسول الله صلی الله علیه و آله طیر فقال:

اللَّهُمَّ أَنْتَنِي بِرَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَيُحِبُّهُ رَسُولُهُ، قَالَ أَنَسٌ: فَأَتَيْتُ عَلِيًّا فَفَرَعْتُ الْبَابَ فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَشْغُولٌ وَكُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْأَنْصَارِ ثُمَّ، إِنَّ عَلِيًّا فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَتَيْتُ الثَّالِثَةَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَنَسُ أَدْخِلْهُ فَقَدْ عَنَيْتُهُ فَلَمَّا أَقْبَلَ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ اللَّهُمَّ وَالِ.

از انس بن مالک روایت شده: پرنده کباب شده‌ای برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند حضرت فرمود:

خدایا مردی را برسان که خدا او را دوست می‌دارد و پیامبر نیز او را دوست می‌دارد تا با من در خوردن این مرغ بریان شریک شود.

انس گوید: «ناگهان علی در را کوفته تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شود.» گفتم: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سرگرم کاری

است و دوست داشتم شخصی که می‌آید از انصار (مردم مدینه) باشد.» طولی نکشید بار دیگر علی در را به صدا درآورد،

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۳

سومین بار نیز علی در را زد. در این هنگام پیامبر فرمود: «در را باز کن که من در دعایم او را قصد کردم.» و چون علی به نزد رسول

خدا رسید پیامبر اکرم گفت: «خداوندا! دوستش بدار، خداوندا! دوستش بدار.» [۴۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۴

۳۴

پیشوای اهل تقوا

عن عبدالله بن حکیم الجهنی: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَيْلَةَ اسْرِي: إِنَّهُ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ.

از عبدالله بن حکیم جهنی روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند، در مورد علی در شب معراج سه نکته را وحی فرمود: «این که او سید و سرور مؤمنان و پیشوای پروا پیشگان و فرمانده سپید

جبینان است.» [۴۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۶

۳۵

علی علیه السلام در بهشت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

فَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ بَيْضَاءَ سَقْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَانِ عَزَّ وَجَلَّ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام در حظیره قدس (جایگاه قدس) در گنبد سفید رنگی که سقفش به عرش خداوندی منتهی می شود جای داده شده‌اند. [۴۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۷

۳۶

سهم علی علیه السلام از حکمت الهی

عن ابن مسعود: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَةً وَأُعْطِيَ النَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا.

از ابن مسعود روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حکمت به ده بخش تفسیم شده که نه جزء آن به علی اختصاص یافته است و یک بخش باقیمانده به بقیه مردم موهبت گردیده است. [۴۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۸

۳۷

علی علیه السلام و قرآن

عن أم سلمة، قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ.

ام سلمه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی با قرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. [۴۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۶۹

۳۸

معیار ایمان و نفاق

عن ابی ذر: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

عَلَيْ بَابُ عِلْمِي، وَمُبَيِّنٌ لِأُمَّتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِي. حُبُّهُ إِيْمَانٌ، وَبُغْضُهُ نِفَاقٌ، وَالنَّظَرُ إِلَيْهِ رَأْفَةٌ وَ مَوَدَّتُهُ عِبَادَةٌ.

از ابوذر روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی دروازه دانش من است، و پس از من، تبیین کننده رسالتم (دین خدا) برای امتم خواهد بود؛ دوستی اش ایمان و دشمنی اش نفاق و دورویی است، و نگرستن به رخسارش از روی رأفت و مودت، عبادت است. [۴۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۷۰

۳۹

پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند

عن سلمان: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

كُنْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ نُورًا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مُعَلَّقًا، يُسَبِّحُ اللَّهُ ذَلِكَ النَّوْرُ وَيَقْدِّسُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ (عَشْرٍ) أَلْفِ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ رَكَبَ ذَلِكَ النَّوْرَ فِي صُلْبِهِ فَلَمْ نَزَلْ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ حَتَّى افْتَرَقْنَا فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَلَّبِ فِجْزَاءَ أَنَا وَجُزءَ عَلِيٍّ.

از سلمان فارسی روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من و علی در پیشگاه الهی به صورت نوری معلق بودیم؛ آن نور، تسبیح و تقدیس خدا را می کرد. [تسبیح یعنی تنزیه و گفتن سبحان الله. تقدیس یعنی خدا را بدون هر عیب و نقص دانستن چهار (ده) هزار سال پیش از آن که آدم را بیافریند. چون حضرت آدم را خلق کرد آن نور را در صلب او قرار داد، ما پیوسته با هم در یک چیز بودیم تا آن که در پشت عبدالمطلب از یکدیگر جدا شدیم یک جزء

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۷۱

آن من و جزء دیگر آن علی شد. [من در نبوت بروز کردم و علی در خلافت] [۵۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۷۲

۴۰

نامیده شدن علی علیه السلام به امیر مؤمنان

عن حذیفه: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُ، سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ آدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَ إِذِ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: «بَلَى» فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «أَنَا رَبُّكُمْ وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَعَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ».

از حذیفه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر مردم می دانستند از چه وقت علی، امیر مؤمنان نامگذار شده است، فضل و برتری اش را انکار نمی کردند. پس افزود: «او امیر

پیام‌رسان براءت

عن أبي سعيد الخدري: قال رسول الله صلى الله عليه وآله (في قصة إعلان البراءة):
يا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ أَنْتَ.

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر اکرم (در ارتباط با اعلام براءت از مشرکان) فرمود:
ای علی! (آنچه وظیفه بر عهده من است) را ادا نمی‌کند جز خودم یا تو. [۵۴]

[توضیح: پیامبر در سال نهم هجرت برای منع مشرکان از ورود به مسجدالحرام و رفع هر نوع پیمان از آنها، ابوبکر را با شانزده آیه از آغاز سوره براءت به مکه اعزام کرد تا در موسم حج آیات را بر حاضران بخواند. ابوبکر در نیمه راه بود که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «امر الهی آن است که این آیات را یا خودت یا مردی از اهل بیت تو بر مردم ابلاغ کند.»]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۷۷

۴۴

سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت پذیری

عن عمار بن ياسر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
أَوْصِي مَنْ آمَنَ بِي وَصِيَدَقَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَمَنْ تَوَلَّاهُ فَقَدْ تَوَلَّانِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ - تَعَالَى - وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

از عمار بن یاسر نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به آن کس که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده سفارش می‌کنم به ولایت علی بن ابی طالب. هر کس ولایت او را بپذیرد در حقیقت ولایت مرا پذیرفته و معتقد به ولایت من ولایت الهی را پذیرفته، و هر کس او را دوست بدارد در حقیقت مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست داشته باشد در حقیقت خدا را دوست داشته، و هر کس او را دشمن بدارد حقیقتاً مرا دشمن داشته و هر کس با

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۷۸

من دشمنی ورزد در واقع با خداوند، دشمنی ورزیده است. [۵۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۷۹

۴۵

علی علیه السلام کفو (همتایی) فاطمه سلام الله علیها

عن أم سلمة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
لَوْ لَمْ يُخْلَقْ عَلِيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ.

از ام سلمه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر خداوند علی را برای فاطمه نیافریده بود کفو (همتایی) برای فاطمه سلام الله علیها نبود. [۵۶]

[توضیح: به طور مسلم مقصود از کفویت و همتایی مهین دخت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که سیده نساء عالمین است با امیر المؤمنین علیه السلام که سید و صیین است، در عصمت و دانش و بینش و نکات والای اخلاقی و مقام قرب و فنا و آگاهی از اسرار قدسی و اسماء و صفات خداوند است نه همتایی از جهت خویشاوندی و امثال آن.]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۰

۴۶

اگر در دل همه، مهر علی علیه السلام بود

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام؛ ص ۸۰

لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر مردم بر محبت علی بن ابی طالب اتفاق داشتند خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی آفرید. [۵۷]

[توضیح: علی بن عیسی اربلی در شرح این روایت می نویسد: راز مطلب این است که محبت علی علیه السلام فرع محبت پیامبر است و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله فرع محبت خدا و توحید او و عمل به تکالیف و اطاعت از اوامر و نواهی الهی و التزام به کتاب و سنت نبوی است. بدیهی است اگر مردم همگی بر این فطرت مبارک پایبند بودند خداوند دوزخ را نمی آفرید. کشف الغمه، ۱، ص ۱۰۰.]

عالم دیگری در ذیل حدیث فوق می گوید: از این حدیث شریف فهمیده می شود که عذاب و آتش فقط برای مخالفان (یعنی دشمنان امیر و فرزندان ایشان علیهم السلام، آفریده شده است.)

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۱

۴۷

علی علیه السلام جدا کننده بین حق و باطل

عن أبي ذر و سلمان: أخذ النبي صلى الله عليه وآله بيد علي فقال:

إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَ هَذَا أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ هَذَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، وَ هَذَا فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، وَ هَذَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمِينَ.

از ابوذر و سلمان روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

به درستی که این مرد اولین کس از امت است که به من ایمان آورد. و نخستین کس است که در روز رستاخیز با من مصافحه کند و اوست صدیق اکبر (بزرگترین راستگو) و فاروق امت که حق و باطل را از هم جدا و متمایز می سازد. و این است خسرو مؤمنان و مال، خسرو ستمکاران می باشد. [۵۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۲

۴۸

ارزش مبارزه علی علیه السلام

عن معاوية بن حيدة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَمُبَارَزَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِودِ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بی شک مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدود در روز (احزاب) و جنگ خندق از اعمال امتم تا روز رستاخیز برتر است. [۵۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۳

۴۹

دشمن علی علیه السلام غیر مسلمان است

عن معاوية بن حيدة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ بُغْضٌ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که بدرود حیات گوید و در دلش دشمنی علی بن ابی طالب باشد پس بایست یهودی یا نصرانی از دنیا رخت بربندد. [۶۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۵

۵۰

سزای توهین به علی علیه السلام

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ سَبَّ اللَّهَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُقِيمٌ.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که به علی دشنام دهد، به من دشنام داده است و کسی که به من دشنام دهد، در حقیقت به خدا دشنام داده است و هر کس به

خدا ناسزا گوید خداوند او را در آتش دوزخ می افکند و همواره دچار عذاب خواهد بود. [۶۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۷

۵۱

نام علی علیه السلام بر سر در بهشت

عن جابر بن عبد الله: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ [لا- إلهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللهِ قَبِيلَ أَنْ يَخْلُقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَنَى عَامٍ.]

از جابر بن عبدالله روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بر سر در بهشت نوشته شد: [خدایی جز الله نیست محمد فرستاده خداست، و علی برادر فرستاده خداست و پیش از دوهزار سال از آنکه خداوند آسمان و زمین را بیافریند. [۶۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۸

۵۲

علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است

عن حذیفة: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

مَثَلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ.

از حذیفة نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَثَلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ. [۶۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۸۹

۵۳

نظر به ماه رخسار علی علیه السلام عبادت است

عن عائشة و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبي ذر و جابر و أنس و عمران بن الحصين: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.

از عایشه و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبي ذر و جابر و أنس و عمران بن حصین روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

نگاه کردن به سیمای علی عبادت است. [۶۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۱

۵۴

افضل امامان عليهم السلام

عن أنس بن مالك: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

هَبَطَ عَلَيَّ الْمَلَكَانِ لَمْ يَهْبِطَا مُنْذُ كَانَتْ الْأَرْضُ، فَبَشَّرَانِي أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا.

انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دو ملک بر من نازل شدند که از آغاز آفرینش زمین تا آن زمان، فرود نیامده بودند. آن دو به من بشارت دادند که حسن و حسین سرور و آقای بهشتیان‌اند. من افزودم: «پدرشان از آن، بهتر است.» [۶۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۲

۵۵

حدیث جواز

عن علی علیه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنَصَبَ الصُّرَاطَ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ مَا جَاذَهَا أَحَدٌ حَتَّى كَانَ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

از علی علیه السلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

چون خداوند، اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع آورد و صراط را بر روی پل دوزخ؛ نصب کند، احدی از آن عبور نکند مگر کسی که سند رهایی از آتش به واسطه ولایت علی بن ابی طالب را در دست داشته باشد. [۶۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۴

۵۶

اسلام و ایمان علی علیه السلام

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، أَنْتَ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا، وَأَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! تو اولین فردی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین فرد از مؤمنان می باشی. [۶۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۵

۵۷

مواسات امام علی علیه السلام

لَمَّا قَتَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ أُحُدٍ أَضِحَابَ الْأَلْوِيَةِ، قَالَ جَبْرَيْلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمُوَأَسَاءُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ. قَالَ جَبْرَيْلُ: وَأَنَا مِنْكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

هنگامی که علی در جنگ احد پرچمداران سپاه کفر را به قتل رساند، جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین گفت:

حقاً این است معنای مواسات. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آخر او از من است و من از اویم.» جبرئیل علیه السلام گفت: «من

هم از شمایم ای رسول خدا.» [۶۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۶

۵۸

امارت امیر مؤمنان علیه السلام

عن بریده: قال:

أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نُسَلِّمَ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِ «إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ».

از بریده نقل است که گفت:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما امر کرد به علی به عنوان فرمانده اهل ایمان و امیر مؤمنان سلام کنیم. [۶۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۷

۵۹

دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه و آله است

عن سلمان الفارسی: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، مُحِبُّكَ مُجِبِّي، وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي.

سلمان فارسی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! محب تو دوستدار من است و دشمن تو دشمن من خواهد بود. [۷۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۹۸

۶۰

دور ساختن منافقان از حوض کوثر

عن أبي سعيد: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، مَعَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَصَاٌ مِنْ عَصِيٍّ الْجَنَّةِ تَدْوُدُ بِهَا الْمُنَافِقِينَ عَنْ حَوْضِي.

ابو سعید گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! در رستاخیز عصایی از عصاهای بهشتی در اختیار داری که به وسیله آن منافقان را از حوضم خواهی راند. [۷۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۰

۶۱

راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صِدَاقَهَا الْأَرْضَ، فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ يَمْشَى حَرَامًا.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

یا علی! به درستی که خداوند با عز و جلال فاطمه را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه او قرار داد؛ پس هر کسی که روی زمین راه برود در حالی که دشمن تو باشد و بغض تو را داشته باشد این راه رفتن او حرام است. [۷۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۱

۶۲

هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام

عن أبي بكر: قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَ وَيَقْدِّسُونَ وَيَكْتُبُونَ ثَوَابَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَمُحِبِّي وَوَلَدِهِ.

از ابوبکر نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا خدا از نور علی بن ابی طالب فرشتگانی آفرید که خداوند را تسبیح گویند و تقدیس نمایند و ثواب آن را برای دوستان علی و دوستان فرزندان او ثبت و ضبط کنند. [۷۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۲

۶۳

آزردن علی علیه السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

عن عمر بن الخطاب: قَالَ: كُنْتُ أَجْفُو عَلِيًّا، فَلَقِنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ:

إِنَّكَ آذَيْتَنِي يَا عُمَرُ!

فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّنْ أَذَى رَسُولَهُ!

قَالَ: إِنَّكَ قَدْ آذَيْتَ عَلِيًّا، وَمَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: همواره به علی جفا و اذیت روا می‌داشتم. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مرا دید و فرمود: ای عمر! مرا آزار دادی.

گفتم: به خدا پناه‌دهنده می‌شوم از کسی که رسولش را بیازارد.

فرمود: تو علی را اذیت کردی و هر کس علی را آزرده و اذیت کند، در حقیقت مرا اذیت نموده است. [۷۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۴

۶۴

همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید

عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ الشَّارِعَةِ فِي الْمَسْجِدِ وَتَرَكَ بَابَ عَلِيٍّ (قَالَ الْهَيْثَمِيُّ: رَوَاهُ أَحْمَدُ وَ أَبُو

يَعْلَى وَ الْبَزَارُ وَ الطَّبْرَانِي فِي الْأَوْسَطِ، وَ زَادَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَدَدْتُ أَبْوَابَنَا كُلَّهَا إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ؟ قَالَ: مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَدَّهَا.

سعد بن مالک گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان داد تمام درهای خانه‌هایی را که به داخل مسجد، باز می‌شد ببندیم و در خانه علی را وا نهاد.

همیشی می‌نویسد: این حقیقت را احمد، و ابویعلی، بزار و طبرانی در الأوسط روایت کرده‌اند و افزوده که ایشان گفتند: ای رسول خدا! درهای ما را بستی و در خانه علی علیه السلام را وا نهادی. حضرت فرمود: درهای شما را من نبستم، خداوند آنها را بست. [۷۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۵

۶۵

پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر دو سرا

عن جابر، قال: قالوا: يا رسول الله! مَنْ يَحْمِلُ رَأْسَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ: مَنْ يَحْسُنُ أَنْ يَحْمِلَهَا إِلَّا مَنْ حَمَلَهَا فِي الدُّنْيَا؟: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از جابر روایت است که گفت: اصحاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آن کس که پرچم شما را در روز قیامت حمل خواهد کرد کیست؟

حضرت فرمود: چه فردی جز همان که آن را در دنیا در دست داشت، شایستگی حمل آن را خواهد داشت؟ (علی بن ابی طالب) [۷۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۷

۶۶

قاتل علی علیه السلام، تیره بخت‌ترین امت

عن جابر بن عبد الله، قال: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَشَقَى الثَّمُودَ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ النَّاقَةَ. قَالَ: فَمَنْ أَشَقَى هَذِهِ الْأُمَّةَ؟ قَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ. قَالَ: قَاتِلُكَ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

می‌دانی تیره بخت‌ترین کسی که در قوم ثمود بود کیست؟ گفت: آنکه پای ناقه صالح علیه السلام را قطع کرد. حضرت پرسید تیره بخت‌ترین امت من کیست؟ گفت: الله اعلم (خدا داناتر است) فرمود: کسی که تو را به قتل می‌رساند. [۷۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۸

[توضیح: قوم ثمود افرادی سرکش و مغرور بودند؛ پیامبر آنها حضرت صالح علیه السلام هر چه آنها را نصیحت کرد، اثر نبخشید. از آن حضرت معجزه خواستند او به اذن خدا در دل کوه ناقه‌ای (شتر ماده‌ای) بیرون آورد؛ آنها به جای اینکه معجزه الهی را بپذیرند، آن ناقه را پی کردند و کشتند، آنها برای پی کردن و کشتن ناقه، فردی شقاوتمند و بی‌رحم به نام «قدار بن سالف» را بدین کار

گماشتند و او با یک ضربت شمشیر، شتر را پی کرد، و به عنوان «شقی‌ترین فرد گذشتگان» لقب گرفت و سه روز پس از این ماجرا، بر اثر عذاب الهی، به هلاکت رسیدند.»

شرح در تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۶۱ و ۶۲، الگوی آسمانی، ص ۳۵؛ معارف و معاریف، ج ۳، ص ۱۳۸۳. پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۰۹

۶۷

زینت علی علیه السلام

عن عمار بن یاسر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَتِهِ لَمْ تُزَيَّنْ الْعِبَادُ بِزِينَتِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهَا، هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا، فَجَعَلَكَ لَا تُزْرَا مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا وَلَا تُزْرَا الدُّنْيَا مِنْكَ شَيْئًا وَوَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ، فَجَعَلَكَ تَرْضَى بِهِمْ أَتْبَاعًا، وَيَرْضُونَ بِكَ إِمَامًا. از عمار بن یاسر روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! خدای متعال تو را به زینتی آراسته است که هیچ بنده‌ای به زیوری چنین مزین نگشته و خدا آن را بیش از هر زینت دیگری دوست دارد و آن زهد در دنیا است که زینت نیکوکاران در نزد خدای با عزت و جلال است.

پس تو را طوری قرار داده که نه از دنیا دست تو را می‌گیرد و نه دنیا چیزی از تو به دست می‌آورد. خدا در وجود تو علاقه به مساکین را عطا کرد، پس تو را طوری قرار داده که راضی شدی که رهبر آنها باشی

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱۰

و آنان نیز به پیشوایی چون تو خشنودند. [۷۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱۱

۶۸

صاحب حوض کوثر

عن أبي هريرة و جابر بن عبد الله، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَاحِبُ حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ابو هریره و جابر بن عبدالله نقل شده است که گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در روز قیامت صاحب حوض من علی بن ابی طالب خواهد بود. [۷۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱۲

۶۹

نخستین مسلمان

عن أنس، عن رسول الله صلى الله عليه وآله:

صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَنِينَ، وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ تُتَفَعَّ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ إِلَّا مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ.

انس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فرشتگان الهی مدت هفت سال بر من و علی بن ابیطالب درود می‌فرستادند. و این در زمانی بود که هنوز شعار توحید و کلمه لا اله الا الله جز از من و علی به آسمان بر نمی‌خاست. [۸۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱۴

۷۰

علی علیه السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عبدالله بن عمر. قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

عَلِيٌّ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

از عبدالله بن عمر روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی برادر من است در این جهان و سرای دیگر. [۸۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱۶

۷۱

برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

أَخِي وَ وَزِيرِي، وَ خَيْرٌ مَنْ أَتَرَكَ بَعْدِي، يَقْضِي دِينِي، وَ يُنْجِزُ وَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

برادر و وزیر، و بهترین شخصی که بعد از خود می‌گذارم و دین مرا تأدیه کرده و وعده‌هایم را عملی می‌سازد، علی بن ابی طالب

است. [۸۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۱۸

۷۲

راه علی علیه السلام حق است

عن عمار بن یاسر، سمعنا رسول الله صلی الله علیه و آله يقول:

عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

عمار بن یاسر گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی با حق است و حق با علی است؛ این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در رستخیز در کنار حوض کوثر بر من در آیند. [۸۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۰

کینه‌های پنهان

عن علی علیه السلام:

بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آخِذٌ بِيَدِي، وَنَحْنُ نَمْشِي فِي بَعْضِ سَكَكِ الْمَدِينَةِ، إِذْ أَتَيْنَا عَلَى حَدِيقَةٍ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَ نَهْجًا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. ثُمَّ مَرَرْنَا بِآخَرَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَ نَهْجًا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. حَتَّى مَرَرْنَا بِسَبْعِ حَدَائِقَ، كُلُّ ذَلِكَ أَقُولُ: مَا أَحْسَنَهَا! وَيَقُولُ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. فَلَمَّا خَلَا لَهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَفَنِي، ثُمَّ أَجْهَشَ بَاكِيًا. [قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُبْكِيكَ؟ قَالَ: ضَعَائِرٌ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبَدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي .

قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟

قَالَ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ.

علی علیه السلام می گوید:

روزی به اتفاق رسول خدا در حالی که دست مرا در

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۱

دست خود داشت در بعضی از کوچه‌های مدینه می‌رفتیم. از کنار باغی گذشتیم. عرضه داشتم یا رسول الله! این باغ چه زیبا است! فرمود: باغی که در بهشت برای تو مهیا شده از این زیباتر است. سپس قدم زنان به باغ دیگری رسیدیم، گفتم: ای پیامبر خدا، صلی الله علیه و آله این باغ نیز زیبا است!

فرمود: باغ تو در بهشت زیباتر از آن است.

تا اینکه از هفت باغ گذشتیم در همه آنها من همان سخن پیشین را و آن حضرت همان پاسخ را تکرار کردیم. هنگامی که به پایان راه رسیدیم پیامبر صلی الله علیه و آله مرا در آغوش گرفت و سخت بگریست.

عرضه داشتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چرا می‌گریی؟

فرمود: از کینه‌هایی که در سینه گروهی علیه تو نهفته شده و آشکار نمی‌کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند.

پرسیدم: آیا من بر سلامت دینم خواهم بود؟

فرمود: بله در سلامت دینت می‌مانی. [۸۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۲

پدرم فدای شهید تنها!

عن عائشة: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّرَمَّ عَلِيًّا وَقَبْلَهُ وَيَقُولُ:

بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ، بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ.

از عایشه نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که علی را به خود چسبانده و می‌بوسید و می‌فرمود:

پدرم فدای آن شهید تنها باد، پدرم فدای شهید تنها. [۸۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۳

۷۵

هم‌درجه پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی علیه السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله أخذ بيد حسن و حسین فقال: مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّ هَذَيْنِ وَ آبَهُمَا وَ أُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از علی علیه السلام روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: هر کس مرا و این دو نفر و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد، در روز قیامت با من در یک رتبه خواهد بود. [۸۶]

[توضیح: این بدان جهت است که هر کس مردمی را دوست داشته باشد با آنها محشور می‌شود.]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۴

۷۶

پرسی در قیامت

عن أبي برزة: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبَدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ:

عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أُبْلِغَهُ، وَ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ؟

فَضَرَبَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ابن برزه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ بنده‌ای [روز قیامت گام از گام بر نمی‌دارد تا از چهار چیز بازخواست شود: از جسدش که در چه راهی آن را فرسوده، از عمرش که آن را در چه راهی صرف نموده، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی با ما اهل بیت [که در دل پرورده یا نه؟]

سؤال شد: ای رسول خدا! نشانه دوستی با شما [پس از شما] چیست؟

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۵

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر شانه علی علیه السلام [که کنارش ایستاده بود] زد. [۸۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۶

۷۷

دوست علی علیه السلام مؤمن و دشمنش منافق است

عن أبي ذر: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول لعلي عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ. وَلَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ، وَلَوْ نَثَرْتَ الدَّنَائِرَ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحْبَبَكَ. يَا عَلِيُّ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ.

از ابوذر روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

خداوند به دوستی تو از مؤمنان پیمان گرفته و نیز بر دشمنی تو از منافقان پیمان گرفته و اگر تو (با شمشیرت) بر بینی مؤمنی ضربه وارد کنی تو را دشمن نخواهد داشت و دل آزرده نخواهد شد. و چنانچه دینارها را به پای منافق بریزی تو را دوست نخواهد داشت.

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۷

ای علی! تو را دوست نمی‌دارد مگر مؤمن (به خدا و رسول) و با تو دشمنی نمی‌کند مگر دورو و منافق. [۸۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۲۸

۷۸

به دوستی علی علیه السلام فرزندانان را بشناسید

قال رسول الله صلى الله عليه وآله - في صفة علي عليه السلام -:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ائْتِحُوا أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّي، فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ وَلَا يَبْعِدُ عَن هَدْيٍ، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَهُوَ لَيْسَ مِنْكُمْ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در صفت علی علیه السلام فرمود:

ای مردم! فرزندانان را به دوستی علی علیه السلام آزمایش کنید، زیرا علی به گمراهی نمی‌خواند، و کسی را از هدایت دور نمی‌نماید، هر فرزندی او را دوست داشت از شماست (حلال زاده است) و هر فرزندی او را دشمن داشت، از آن شما نیست (نامشروع است). [۸۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۰

۷۹

راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله

قال الإمام الحسن عليه السلام:

أُرْسِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْأَنْصَارِ فَأَتَوْهُ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: هَذَا عَلِيُّ، فَأَجِبُوهُ بِحُبِّي وَكَرَمُوهُ لِكِرَامَتِي، فَإِنَّ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَنِي بِالَّذِي قُلْتُ لَكُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

امام حسن علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی به سوی انصار فرستاد و آنان را فرا خواند، انصار اجابت کردند. حضرت به آنان فرمود:

ای گروه انصار! آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به آنان چنگ زدید، هرگز گمراه نشوید؟

گفتند: یا رسول الله بفرماید.

فرمود: این شخص علی (بن ابی طالب) است، او را به سبب محبت و دوستی با من، دوست بدارید و او

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۱

را به گرامیداشت من، گرامی بدارید؛ زیرا این گفته را خدای عزوجل به من فرمان داد تا به شما بگویم. [۹۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۲

۸۰

بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام

عن أنس بن مالك و برده:

قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْآيَةَ: (فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ)، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتٍ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ.

فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟ - لَبِيتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ - قَالَ: نَعَمْ مِنْ (أَفَاضِلِهَا).

از انس بن مالک و بریده نقل شده است که گفتند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه شریفه (فی بیوت اذن الله ان ترفع [توبه / ۳۶]) را در جمع یاران تلاوت فرمود، یکی از آن میان برخاست و گفت: کدامین خانه‌ها مورد نظر است یا رسول الله؟ حضرت پاسخ داد: خانه‌های انبیاء الهی.

ابوبکر برخاست و اشاره به خانه علی و فاطمه کرد و گفت: ای رسول خدا! آیا این خانه هم شامل این بیوت می‌باشد؟

حضرت جواب فرمود: بلی این خانه جزء

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۳

شرافتمندترین و با فضیلت‌ترین آن خانه‌ها می‌باشد. [۹۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۴

۸۱

توصیه درباره علی علیه السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي وَيَسِدْ كَنْجَنَهُ عَيْدِنِ غَرْسِهَا رَبِّي فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَلْيُؤَالِ وَلِيِّهُ، وَلْيَقْتَدِ بِالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي، رَزَقُوا فَهْمًا وَعِلْمًا، وَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي، لَا أَنَا لَهُمْ اللَّهُ شَفَاعَتِي.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که بدین دلشاد است که چون من زیست کند، و چون من بمیرد، و در بهشت عدن که پروردگار درختان آن را غرس کرده است جای گیرد، بایستی بعد از من از علی هواداری کند و هوادار هواداران او باشد، و از امامان پس از من پیروی کند؛ زیرا آنان عترت من هستند، از سرشت من آفریده شده‌اند و فهم و علم رزقوا فهمًا و علمًا، و وایل للمکذبین بفضلهم من ائمتی، القاطعین فیهم صلتی، لا انا لهم الله شفاعتی.

پیوند مرا درباره آنان بگسلد، خداوند شفاعت مرا شامل حالشان نگرداند. [۹۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۶

۸۲

خداوند، دل علی‌علیه السلام را به ایمان آزموده است

عن أمير المؤمنين عليه السلام:

جاء سهيل بن عمرو إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا محمد، إنه قد خرج إليك أناس من أرقائنا ليس بهم للدين تعبدًا فآزدوهم علينا. فقال أبو بكر وعمر: صدق يا رسول الله. فقال النبي صلى الله عليه وآله: لئن تئنثوها يا معشر قريش حتى يبعث الله عليكم رجلاً مني امتحن الله قلبه للإيمان يضرب رقابكم على الدين وأنتم متجفلون عنه اجفالنعم. فقال أبو بكر: أنا هو يا رسول الله؟ قال: لا.

قال عمر: أنا هو يا رسول الله؟

قال: لا، ولكنه خاصف النعل.

قال: وكان في كف علي نعل يخصفها لرسول الله صلى الله عليه وآله.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۷

سهیل بن عمرو [همراه عده‌ای از قریشیان مکه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

یا محمد! گروهی از فرزندان، برادران و بردگان ما نزد تو آمده‌اند. آنان نه به دلیل علاقه به دین و نه برای فهم و اندیشه آمده‌اند (به

عبارت دیگر) نسبت به دین، هیچ التزام و تعبدی ندارند آنان را به سوی ما بازگردان.

ابوبکر و عمر بر سخنان او صحه گذاشتند اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای گروه قریش! شما هرگز به اصلاح نمی‌رسید تا

آن که کسی را به سویتان گسیل دارم که خداوند، دلش را به ایمان آزموده است تا شما را بر اساس آموزه‌های دینی گردن زند و

شما همچون شتر مرغ سرکش از او فرار می‌کنید و طغیان می‌ورزید.

ابوبکر گفت: آیا آن مرد که می‌گویید منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: خیر.

عمر گفت: آن کس منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: آن مرد همان اصلاح کننده کفش است.

سهیل بن عمر گوید: در دست علی کفش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که آن را وصله می‌کرد. [۹۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۸

علم علی علیه السلام

قال أبو سعيد الخدري: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله تعالى: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؟ قال:

ذاك أخي علي بن أبي طالب.

از ابوسعید خدری روایت شده که گفت: من درباره آیه شریفه (و من عنده علم الكتاب) (و کسی که علم کتاب نزد اوست) از

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردم، حضرت فرمود:

آن شخص برادرم علی بن ابی طالب است. [۹۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۳۹

۸۴

حکمت امام علی علیه السلام

عن حمید بن عبدالله بن یزید المدنی: ذکر عند النبی صلی الله علیه وآله قضاء قضی به علی بن ابی طالب، فأعجب النبی صلی الله علیه وآله، فقال:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِيْنَا الْحِكْمَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ.

از حمید بن عبدالله بن یزید مدنی روایت شده: علی قضاوتی کرده بود و در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله سخن از آن قضاوت رفت، رسول اکرم صلی الله علیه وآله بسیار خوشحال شد و فرمود:

حمد و سپاس ویژه خداوندی است که حکمت را در ما خاندان قرار داد. [۹۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۰

۸۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مبارزه است با دشمن علی علیه السلام

عن أبی هریره: نظر النبی صلی الله علیه وآله إلى علی و حسن و حسین و فاطمة علیهم السلام، فقال: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَسَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ.

از ابوهریره روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام - که بر آنان درود خدا باد - نگریست و فرمود:

من در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد و آشتی هستم با هر که با شما در صلح و سلامت باشد. [۹۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۲

۸۶

اولین از اولوا الامر

قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

شُرَكَائِي الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَ بِي وَأَنْزَلَ فِيهِمْ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» الْآيَةَ، فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازَعًا فِي أَمْرٍ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ، قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَنْتَ أَوْ لَهُمْ.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: نبی مکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

شرکای من آنانند که پروردگار به خود و من، نزدیکشان ساخته و در خصوص ایشان این آیت را فرو فرستاده (ای ایمان آورندگان! از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا نیز فرمانبرداری نمایید) تا آخر آیه. پس اگر از درگیری و کشمکش بینناک شدید

آن را به خدا و رسول و اولوالامر ارجاع دهید.

گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اولوا الامر کیان اند؟

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۳

فرمود: تو اولین شان هستی. [۹۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۴

۸۷

وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعبد الرحمن بن عوف:

يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَهُوَ بَابُ عِلْمِي وَ وَصِيِّي، وَ هُوَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ هُمْ خَيْرُ الْأَرْضِ عُنُصْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا.

از ابن عباس، روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به عبد الرحمن بن عوف فرمود:

ای عبد الرحمن! شما ملازمان و همراهان من هستید و علی بن ابی طالب از من است و و من از او هستم. او باب علم من و وصی من

است. او و فاطمه و حسن و حسین بهترین اهل زمین هستند در اصالت و شرافت و کرامت. [۹۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۵

۸۸

پیشی گیرندگان

عن ابن عباس عن النبي صلی الله علیه و آله قال:

السَّبْقُ ثَلَاثَةٌ: السَّابِقُ إِلَى مُوسَى، يُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ السَّابِقُ إِلَى عِيسَى، صَاحِبُ يَاسِينَ، وَ السَّابِقُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

ابن عباس از رسول اعظم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت فرمود:

سبقت جویان خلق [در ایمان به پیامبران سه نفرند: کسی که به سوی موسی سبقت گرفت و او یوشع بن نون است. و پیشی گیرنده

در امت عیسی صاحب یاسین است. و سبقت گیرنده در امت محمد صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب است.

[نکته ۱: مراد از سابقون، کسانی هستند که در پذیرش دین حق از دیگران پیشی گرفتند.

نکته ۲: مناوی گفته: راستی این چه فضیلت بزرگی برای علی علیه السلام است و چه بسیار صفات برجسته‌ای است که در او وجود

داشت و دیگران از آن برخوردار نبودند. [۹۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۶

۸۹

برترین انسان‌ها

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خَيْرُ رِجَالِكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَخَيْرُ شَبَابِكُمْ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَخَيْرُ نِسَائِكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مردان شما علی بن ابی طالب، و بهترین جوانانتان حسن و حسین هستند، و بهترین بانوان شما دخت محمد علیهم السلام است. [۱۰۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۷

۹۰

بهترین انسان

عن حذيفة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ.

از حذیفه نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی، برترین انسان است؛ هر که نپذیرد، کافر است. [۱۰۱]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۸

۹۱

نخستین مسلمان

عن سلمان الفارسي قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَوْ لَكُمْ وَارِدًا عَلَيَّ الْخَوْضَ أَوْ لَكُمْ إِسْلَامًا عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از سلمان فارسی نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اولین فردی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می شود نخستین کسی است که اسلام آورد و او علی بن ابی طالب است. [۱۰۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۴۹

۹۲

هم‌نشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت

عن ابن مردويه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعَى «الْوَسِيلَةَ» فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوا لِي الْوَسِيلَةَ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ يَسْكُنُ مَعَكَ فِيهَا؟ قَالَ: عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.

از ابن مردویه نقل است که گفت: نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در بهشت درجه‌ای «وسيله» نام است. پس وقتی که از خداوند چیزی برای من می‌خواهید، «وسيله» را درخواست کنید. افراد حاضر پرسیدند: چه کسی در جوار شما در آن درجه سکونت خواهد گزید؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین. [۱۰۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۰

۹۳

اطاعت علی علیه السلام، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَ مَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس از من پیروی نماید در حقیقت از خدا فرمانبری کرده است و هر کس نافرمانی من کند در واقع نافرمانی خدا کرده است و هر کس از علی اطاعت کند، در حقیقت از من پیروی کرده و هر کس از علی نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است. [۱۰۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۱

۹۴

خصال سه گانه

عن سعد، سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول لعلی علیه السلام ثلاث خصال لأن يكون لي واحدة منها أحب إلي من الدنيا و ما فيها، سمعته يقول:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا عَظِيمَيْنِ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَيْسَ بِفَرَارٍ. وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

از سعد نقل است که گفت:

سه جمله (خصلت) است که اگر یکی از آنها در من بود از دنیا و آنچه در آن است بیشترش ارجح می‌نهادم.

شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله به علی می‌گوید:

منزلت تو به من همان منزلت هارون به موسی است با این تفاوت که دیگر بعد از من نبوت نیست.

و شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود:

فردا بیرق جنگ را به کسی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند و هیچ‌گاه به دشمن پشت نمی‌کند و نمی‌گریزد.

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۲

و شنیدم فرمود:

هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست. [۱۰۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام؛ ص ۱۵۲

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۳

۹۵

حدیث کساء

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

جَمَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ امِّ سَلَمَةَ، أَنَا وَفَاطِمَةُ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كِسَاءٍ لَهُ، وَأَدْخَلْنَا مَعَهُ، ثُمَّ ضَمَّنَا، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَنَا؟ - وَدَنْتَ مِنْهُ - فَقَالَ: أَنْتِ مِمَّنْ أَنْتِ مِنْهُ، وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ. أَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ، ثَلَاثًا يَضَعُ ذَلِكَ. أمير مؤمنان علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله من و فاطمه و حسن و حسین را در بیت ام سلمه گرد آورد و زیر ردای خود رفت؛ ما را هم به زیر عبا برد و در آغوش خود جای داده آن گاه فرمود: خدایا! اهل بیت من اینها هستند؛ رجس و ناپاکی را از ایشان زائل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده.

ام سلمه گفت: یا نبی الله! پس من چه؟ - و او

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۴

نزدیک رسول اقدس صلی الله علیه و آله واقع شده بود.

پیامبر فرمود: تو از همانی که تو از آنی و تو در مسیر خیر هستی [اما از ما اهل بیت و این جماعت پنج تن نیستی . رسول خدا این کار را سه بار تکرار نمود]. [۱۰۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۵

۹۶

علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند

عن ابن عباس فی حدیث زواج فاطمه و علی علیهما السلام: ثم التزمهما [رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمَا، اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبْتَ عَنِّي الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهُمَا.

از ابن عباس در ضمن روایت ماجرای ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله زوجین را در بغل گرفت و فرمود:

بار الها! این دو تن از من هستند و من از ایشان هستم همچنان که رجس و پلیدی را از من زدودی این دو را نیز پاک گردان. [۱۰۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۶

۹۷

فضائل ویژه علی علیه السلام

عن عمرو بن میمون: إني لجالس إلى ابن عباس إذ أتاه تسعة رهط فقالوا: يا ابن عباس، أما أن تقوم معنا و إما أن تخلو بنا من بين هؤلاء.

فقال ابن عباس: بل أنا أقوم معكم، و هو يومئذ صحيح قبل أن يعمى.

قال: فابتدؤوا فتحدّثوا، فلا ندري ما قالوا، قال: فجاء ينفض ثوبه و يقول: أفّ و تفّ! وقعوا في رجل له بضع عشرة فضائل ليست لأحد غيره، وقعوا في رجل قال له النبي صلى الله عليه وآله:

لَأَبْعَثَنَّ رَجُلًا لَا يُخْزِيهِ اللَّهُ أَبَدًا، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ - إِلَى أَنْ قَالَ -: وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَوْبَهُ فَوَضَعَهُ عَلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَحَسَنَ وَحُسَيْنَ وَقَالَ: «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

عمرو بن میمون گوید: در حضور ابن عباس بودم که هفت تن [۱۰۸] نزد او آمدند و گفتند: یا قیام کن و از مجلس فاصله بگیر (تا در جای خلوت با هم گفتگو کنیم) یا از هم‌نشینان

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۷

خود کناره گیر و با ما خلوت کن.

ابن عباس گفت: با شما هستم. (راوی گوید) وقوع این جریان در ایامی بود که ابن عباس هنوز نابینا نشده بود.

ابن میمون گوید: آنها به گوشه‌ای رفته و سخن آغاز کردند. ما نفهمیدیم چه سخنانی بین آنان رد و بدل شد. ابن عباس در حالی که ناراحت به نظر می‌رسید و جامه‌هایش را می‌تکاند می‌گفت: اف و تف بر شما! به مردی ناسزا می‌گویند که ده‌ها فضائل ویژه دارد. به شخصیتی بدبین‌اند و بدگویی می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله [در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند] درباره او فرمود:

کسی را برای مبارزه می‌فرستم که خداوند هرگز او را خوار و ذلیل نکرد؛ او دوستدار خداوند و رسول است تا جایی که ابن عباس گفت: رسول خدا جامه خویش را روی علی و فاطمه و حسن و حسین قرار داد و فرمود:

جز این نیست که خداوند اراده کرده تا آلودگی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک گرداند پاک گرداندنی... [۱۰۹]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۸

۹۸

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سعد بن أبي وقاص: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، فَقَالَ:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي.

از سعد بن ابی وقاص نقل است که: وقتی آیه «فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم» (یعنی بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما فرزندان خود را) نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا زد و به درگاه الهی عرضه داشت:

بارالها! اینان اهل و خانواده من هستند. [۱۱۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۵۹

۹۹

معلم و مربی امام علی علیه السلام

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَدْبَيْتَكَ وَلَا أَفْصِيكَ وَأَنْ أَعْلِمَكَ، وَأَنْ تَعِيَ وَحَقُّ لَكَ أَنْ تَعِيَ. قَالَ: فَتَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ».

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود:

خداوند مرا امر کرده که تو را نزدیک کنم و [از خود] دورت نسازم و این که بیاموزم تو را، و تو نیز فراگیری و سزاوار توست که بیاموزی و حفظ نمایی.

ایشان گفت: پس این آیه نازل شده (و تعیها اذن واعیه) [۱۱۱] [و بدینسان اذن واعیه را گوش تو قرار داد]. [۱۱۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۰

۱۰۰

قرین قرآن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله في مرض موته:

أَيُّهَا النَّاسُ يُوشِكُ أَنْ أَقْبُضَ قَبْضًا سَرِيعًا فَيَنْطَلِقُ بِي، وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعْدِرَةً إِلَيْكُمْ: أَلَا إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ وَعَثْرَتِي أَهْلِي بَيْتِي ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا فَقَالَ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلْهُمَا مَا خَلَّفْتُ فِيهِمَا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرض موتش فرمود:

ای مردم! احتمال دارد به زودی قبض روح شوم و مرا ببرند. من از این سخن در این حال به شما می گویم تا دیگر عذری نداشته باشید. آگاه باشید که من کتاب خدای با عزت و جلال و عترتم را جانشین خود در بین شما می گذارم. آن گاه دست علی را گرفته بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض بر من در آیند، آن گاه از آن

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۱

دومی می پرسم درباره عمل به توصیه ام درباره دو جانشینم. [۱۱۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۲

۱۰۱

امام علی علیه السلام بهترین امت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنْتَ خَيْرُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

تو بهترین امتم در هر دو سرا می باشی. [۱۱۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۳

۱۰۲

سرانجام ما و شیعیان

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

اِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَخَذْتُ بِحُجْرَةِ اللَّهِ وَأَخَذْتُ أَنْتَ بِحُجْرَتِي. وَأَخَذَ وُلْدُكَ بِحُجْرَتِكَ، وَأَخَذْتُ شِيعَةَ وُلْدِكَ بِحُجْرَتِهِمْ فَتَرَى أَيْنَ يُؤْمَرُونَ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

چون رستاخیز برپا شد به خدا متوسل خواهم شد و تو به من متوسل می شوی و فرزندان تو به تو متوسل می شوند و پیروان ذریهات به آنها متوسل می شوند و خواهی دید که ما را به کجا هدایت خواهند کرد. [۱۱۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۴

۱۰۳

خدا با علی علیه السلام راز گفت

عن جندب بن ناجیه (أو ناجیه بن جندب) لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَزْوَةِ الطَّائِفِ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلِيًّا ثُمَّ مَرَّ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ طَالَتْ مُتَاجَاتُكَ عَلِيًّا مُنْذُ الْيَوْمِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَنَا أَنْتَجِيئُهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ.

از جندب بن ناجیه (یا ناجیه بن جندب) نقل است که: در روز جنگ طائف رسول خدا صلی الله علیه و آله مدتی با علی به راز سخن گفت و چون گفتگوها طولانی شد ابوبکر به حضرت گفت: ای رسول خدا! گفتمان و راز گویتان به درازا کشید. حضرت فرمود: من با او راز نمی گفتم بلکه خداوند با او راز می گفت. [۱۱۶]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۵

۱۰۴

مهرورزی به امام علی علیه السلام

عن سلمان قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي.

از سلمان فارسی نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که به علی مهر بورزد و محبت کند چنان است که به من محبت ورزیده، و کسی که به او کینه توزی نماید در حقیقت با من

دشمنی کرده است. [۱۱۷]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۶

۱۰۵

همانند انبیا علیهم السلام

عن الحارث الأعور: أن النبي صلى الله عليه وآله قال:

مِنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَنُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَإِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، وَيَحْيَى فِي زُهْدِهِ، وَمُوسَى فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

از حارث اعور نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس دوست می‌دارد که مشاهده کند علم آدم ابوالبشر را، و فهم نوح علیه السلام را و حلم ابراهیم علیه السلام را و زهد یحیی علیه السلام را و دلاوری موسی علیه السلام را، پس به سوی علی بن ابی طالب بنگرد. [۱۱۸]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۷

۱۰۶

جوان مردی جز علی علیه السلام نیست

عن جابر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله يوم بدر:

هَذَا رِضْوَانٌ، مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ يُنَادِي: لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر [۱۱۹] فرمود:

این رضوان، یکی از فرشتگان خداست که از آسمان ندا می‌دهد: هیچ شمشیر (برنده‌ای) جز ذوالفقار، و جوان مردی جز علی نیست. [۱۲۰]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۸

۱۰۷

امام اولیای خدا

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ عَهْدَ إِلَيَّ عَهْدًا فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: إِنَّهُ رَأْيُهُ الْهُدَى، وَ مَنَارُ الْإِيمَانِ وَ إِمَامٌ أَوْ لِيَائِي، وَ نُورٌ جَمِيعٍ مَنَ أَطَاعَنِي.

يا أبا بَرَزَةَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِينِي غَدًا فِي الْقِيَامَةِ وَ صَاحِبُ رَأْيِي فِي الْقِيَامَةِ عَلَى مَفَاتِيحِ خَزَائِنِ رَحْمَةِ رَبِّي.

از انس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

پروردگار جهان درباره علی بن ابی طالب عهدی بسته است که او علم هدایت، منار ایمان و امام دوستان و پیروان من است. او روشنایی کسانی است که مرا اطاعت کنند.

ای ابو برزه! علی بن ابی طالب در روز رستاخیز امین من خواهد بود. و او در قیامت صاحب علم و پرچمدار من است [و امین بر کلیدهای گنجینه‌های رحمت ۱۲۱] پروردگارم. [۱۲۲]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۶۹

۱۰۸

امیر نیکوکاران

عن حذیفه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ أَمِيرُ الْبِرِّ، وَقَاتِلُ الْفَجْرِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ، أَلَا وَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَيَتَّبِعُهُ، أَلَا فَمِيلُوا مَعَهُ.

از حذیفه نقل است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

علی، فرمانروای نیکان، و کُشنده بدان و پست فطرتان است؛ کسی که یاریش کند، پیروز و کسی که به او پشت کند و خوارش نماید مخذول و خوار خواهد شد به هوش باشید که حق با اوست و او را دنبال می‌کند. آگاه باشید که گرایش و حرکتتان با محوریت او باشد. [۱۲۳]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۰

۱۰۹

پیروان علی علیه السلام

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّكَ سَتَقْدِمُ عَلَى اللَّهِ وَشِيعَتِكَ رَاضِينَ مَرْضِينَ.

از ابن عباس نقل است که گفت: نبی مکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

تو در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد و شیعیان خرسند (از پیشوایی ات) و مورد رضایت حق تعالی خواهند بود. [۱۲۴]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۱

۱۱۰

خداوند او را بیشتر دوست دارد

قال ابن عباس كنت أنا و أبي العباس بن عبد المطلب جالسين عند رسول الله صلى الله عليه وآله إذ دخل علي بن أبي طالب فسلم فرد علي رسول الله صلى الله عليه وآله و بشر به و قام إليه و اعتنقه و قبل بين عيني و أجلسه عن يمينه.

فقال العباس: يا رسول الله، أتحب هذا؟

فقال النبي صلى الله عليه وآله:

يا عم رسول الله، والله لله أشد حبا لله مني، إن الله جعل ذرية كل نبي في صلبه و جعل ذريتي في صلب هذا.

ابن عباس گفت: من و پدرم (عباس بن عبد المطلب) در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب بودیم در این هنگام علی بن

ابی طالب وارد شد و سلام داد. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از جواب سلام با چهره‌ای گشاده در حالی که خوشحال به نظر می‌رسید برخاست؛ او را در بغل گرفت و پیشانی‌اش را بوسه داد و او را در طرف راست خود نشانید.

عباس (که ناظر جریان بود) گفت: ای رسول خدا! آیا او را دوست می‌داری؟

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عمو جان! به خدا سوگند خدا او را از من بیشتر دوست دارد؛ خداوند نسل هر پیامبری را از پشت همان پیامبر قرار داد و نسل مرا در صلب این شخص نهاده است. [۱۲۵]

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۳

فهرست منابع

۱. القرآن الکریم.

- الف -

۲. ارجح المطالب، عبیدالله امرتسری.

۳. الاربعین المنتقی من مناقب المرتضی، رضی الدین ابو الخیر احمد بن اسماعیل طالقانی شافعی (م ۵۹۰ ق) (چاپ شده در مجله تراثنا، عدد اول، سال ۱۴۰۵ ق).

۴. أساس البلاغه، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (م ۵۳۸ ق).

۵. أسباب نزول القرآن، ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ ق).

۶. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر قرطبی مالکی (م ۳۶۳ ق)، (چاپ شده در حاشیه الاصابة).

۷. اسد الغابه فی معرفة الصحابه، عز الدین علی بن ابی المکرّم محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی معروف به ابن اثیر جزری (م ۶۳۰ ق)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۸. الاصابة فی تمییز الصحابه، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی شافعی (م ۸۱۲ ق)، قاهره: ۱۳۲۸ ق.

۹. الامالی الخمیسیه (امالی شجری)، یحیی بن حسین شجری (م ۴۹۹ ق).

۱۰. الانباء المستطابه، ابن سید الکل.

۱۱. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م ۲۷۹ ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۴

- ب - ت -

۱۲. البدايه و النهايه، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق).

۱۳. تاریخ بغداد (مدینه السلام)، احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق).

۱۴. تاریخ الخلفاء، جلال الدین عبد الرحمن سیوطی (م ۹۱۱ ق).

۱۵. تاریخ مدینه دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله شافعی (ابن عساکر دمشقی).

۱۶. تاریخ مدینه دمشق (ترجمه الامام الحسن علیه السلام)، ابن عساکر دمشقی، (م ۵۷۱ ق.).
۱۷. التدوین فی أخبار قزوین، عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی (۶۲۳ ق.).
۱۸. تراثنا، مجله مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم
۱۹. تفسیر روح المعانی (تفسیر آلوسی)، محمود بن عبدالله آلوسی (م ۱۲۷۰ ق.).
۲۰. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ه ق.).
۲۱. تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، محمد بن احمد انصاری قرطبی (م ۶۷۱ ق.).
۲۲. تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاحادیث الشنیعة الموضوعة، ابوالحسن علی بن محمد ابن عراق الکنانی (م ۹۶۳ ق.).
۲۳. تهذیب تاریخ دمشق (ابن عساکر)، عبدالقادر بدران (م ۱۳۴۶ ق.)
۲۴. توضیح الدلائل، شهاب الدین ایجی.

-ج-ح-خ-

۲۵. الجامع الصغیر، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م ۹۱۱ ق.).
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۵
۲۶. الجامع الکبیر، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م ۹۱۱ ق.).
۲۷. جمع الجوامع، تاج الدین سبکی.
۲۸. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، (المناقب لابن الدمشقی)، محمد بن احمد دمشقی باعونی شافعی، (م ۸۷۱ ق.).
۲۹. حلیة الاولیاء و طبقات الأصفیاء، ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ ه.).
۳۰. خصائص الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، احمد بن شعیب نسایی (م ۳۰۳ ق.).

-د-ذ-ر-ز-

۳۱. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م ۹۱۱ ق.).
۳۲. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب الدین احمد بن عبدالله طبری، (م ۶۹۴ ق.)، مصر: ۱۳۵۲ ق.
۳۳. رشفة الصادی، ابوبکر حصرمی.
۳۴. الرياض النضرة فی مناقب العشرة، محب الدین طبری (م ۶۹۴ ق.).
۳۵. زهر الرياض.

-س-

۳۶. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۵ ق.).
۳۷. سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، (م ۲۹۷ ق.).
۳۸. سیر اعلام النبلاء، ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی، (م ۷۴۸ ق.).
۳۹. السیره النبویه، عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری، (م ۲۱۸ ق.).
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۶

- ش -

۴۰. شرح المقاصد، سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی شافعی (م ۷۹۳ ق).
 ۴۱. شرح نهج البلاغه، عز الدین عبدالحمید بن محمد بن ابی الحدید معتزلی، (م ۶۵۶ ق).
 ۴۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسکانی: عبید الله بن عبدالله بن احمد حنفی نیشابوری (قرن ۵).
 - ص -

۴۳. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی مکی (م ۹۷۴ ق).
 - ط -

۴۴. طبقات الحنابلة، ابو الحسین محمد بن یعلی، (م ۵۲۷ ق).
 ۴۵. الطبقات الکبری، محمد بن سعد کاتب واقدی: (ابن سعد)، (م ۲۳۰ ق).
 - ع - غ -

۴۶. عباة الانوار، علامه میر حامد حسین نیشابوری لکنهوی (م ۱۰۳۶ ق).
 ۴۷. العلل المتناهیة فی الاحادیث الواهیة، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی (ابن جوزی) (م ۵۹۷ ق).
 ۴۸. العلل الواردة فی الاحادیث النبویة، ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی (م ۳۸۵ ق).
 ۴۹. الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، عبدالحسین امینی (م ۱۳۹۰ ق).
 - ف - ق -

۵۰. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق).
 پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۷
 ۵۱. فتح القدر، محمد بن علی بن محمد شوکانی (م ۱۲۵۰ ق).
 ۵۲. فتح الملک العلی بصحة حدیث باب مدینه العلم علی. احمد بن محمد بن الصدیق الغماری الحسنی.
 ۵۳. فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم علیهم السلام، ابراهیم بن محمد جوینی حموی (م ۷۳۰ ق).
 ۵۴. فردوس الاخبار، شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی همدانی (م ۵۰۹ ق).
 ۵۵. فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ابوالعباس احمد بن محمد کوفی (ابن عقده).
 ۵۶. فضائل الصحابه، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ ق).
 ۵۷. الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعه، محمد بن علی بن محمد شوکانی، (م ۱۲۵۰ ق).
 ۵۸. فیض القدر، محمد عبدالرئوف مناوی (م ۱۰۳۱ ق).
 ۵۹. القول الجلی، ابن تیمیه حرانی (م ۷۲۸ ق)

- ک -

۶۰. الکشاف، محمد بن عمر زمخشری (م ۵۳۸ ق).
 ۶۱. كشف الخفاء و مزيل الألباس عما اشتهر من الاحاديث على ألسنة الناس، اسماعيل بن محمد عجلوني (م ۱۱۶۲ ق).
 ۶۲. كفاية الطالب في مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام، محمد بن يوسف بن محمد گنجی شافعی (م ۶۵۸ ق).
 ۶۳. كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدين علي متقی بن حسام‌الدين هندی (م ۹۷۵ ق).
 ۶۴. كنوز الحقائق في احاديث خير الخلائق، عبدالرؤف مناوی (م ۱۰۳۱ ق).
 پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۸

- ل -

۶۵. اللآلی المصنوعة في الاحاديث الموضوعه، سيوطی (م ۹۱۱ ق).
 ۶۶. لسان الميزان، احمد بن علي بن حجر عسقلانی (ابن حجر) (م ۸۰۷ ق)

- م -

۶۷. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابوبکر هیثمی (م ۸۱۷ ق)
 ۶۸. المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۷ ق)
 ۶۹. مسند علی بن ابی طالب علیه السلام، سیوطی.
 ۷۰. مسند فاطمه سلام الله علیها، سیدحسین شیخ الاسلام تویسرکانی.
 ۷۱. المسند، احمد بن محمد بن حنیبل شیبانی (م ۲۴۱ ق).
 ۷۲. المسند، ابن ابی حاکم.
 ۷۳. المسند، أبی یعلی موصلی احمد بن علی بن مثنی تمیمی (م ۳۰۷ ق).
 ۷۴. المصنف، ابوبکر عبدالله بن محمد ابن ابی شیبۀ کوفی (م ۲۳۵ ق)
 ۷۵. المصنف، ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ق).
 ۷۶. المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ ق)
 ۷۷. المعجم الكبير، سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ ق).
 ۷۸. معرفة الصحابة، ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ ق).
 ۷۹. المعيار و الموازنة، محمد بن عبدالله معتزلی اسکافی (م ۲۴۰ ق).
 ۸۰. مقتل الحسين عليه السلام، موفق بن احمد مکی خوارزمی (م ۵۶۸ ق).
 ۸۱. ملحقات احقاق الحق، آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی رحمه الله عليه.
 پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۷۹
 ۸۲. مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، علی بن محمد بن محمد واسطی ابن مغازلی شافعی (م ۴۸۲ ق).
 ۸۳. مناقب سيدنا عليعليه السلام، عینی.

۸۴. المواقف فی علم الکلام، قاضی عضدالدین ایجی.

۸۵. موضح أوهام الجمع و التفریق (ذیل التاریخ الکبیر)، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق).

۸۶. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبی (م ۲۷۵ ق).

- ن -

۸۷. نظم درر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین، محمد بن یوسف بن حسن بن محمد زرنندی حنفی مدنی (م ۷۵۰ ق).

۸۸. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ابن اثیر مبارک بن محمد جزری (م ۶۰۶ ق).

۸۹. نوادر الاثر فی علی علیه السلام خیر البشر، جعفر بن احمد بن علی رازی (قرن ۴).

۹۰. نور البراهین؛ سید نعمه الله موسوی جزائری (م ۱۱۱۲ ق).

- ی -

۹۱. ینایع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۱

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف در یک نگاه

نام کتاب----- زبان----- ترجمه

فقه:

- ۱- توضیح المسائل----- فارسی-----
- ۲- منتخب الاحکام----- فارسی-----
- ۳- احکام نوجوانان----- فارسی----- انگلیسی
- ۴- جامع الاحکام در ۲ جلد----- فارسی-----
- ۵- استفتائات قضایی----- فارسی-----
- ۶- استفتائات پزشکی----- فارسی-----
- ۷- مناسک حج----- فارسی----- عربی
- ۸- مناسک عمره مفرده----- فارسی----- عربی
- ۹- هزار سؤال پیرامون حج----- فارسی-----
- ۱۰- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد----- فارسی-----
- ۱۱- اعتبار قصد قربت در وقف----- فارسی-----
- ۱۲- رساله در احکام ثانویه----- فارسی-----
- ۱۳- فقه الحج در ۴ جلد----- عربی-----
- ۱۴- هدایه العباد در ۲ جلد----- عربی-----
- ۱۵- هدایه السائل----- عربی-----

- ۱۶- حواشی علی العروة الوثقی ----- عربی -----
- ۱۷- رسائل الخمس فی فقه الإمامیه ----- عربی -----
- ۱۸- صلاة المسافر ----- عربی -----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۲
- ۱۹- فقه الخمس ----- عربی -----
- ۲۰- أوقات الصلوة ----- عربی -----
- ۲۱- الاحکام الشرعیة ثابتة لا تتغیر ----- عربی ----- فارسی
- ۲۲- التعزیر (احکامه و ملحقاته) ----- عربی -----
- ۲۳- ضرورة وجود الحكومة او ولاية الفقهاء فی عصر الغيبة (الخمس و ولاية الفقیه) ----- عربی ----- فارسی
- ۲۴- رسالة فی معاملات المستحدثة ----- عربی -----
- ۲۵- التداعی فی مال من دون بینة و لا ید ----- عربی -----
- ۲۶- رسالة فی المال المعین المشتبه ملکته ----- عربی -----
- ۲۷- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین ----- عربی -----
- ۲۸- ارث الزوجة ----- عربی -----
- ۲۹- مع الشيخ جاد الحق فی ارث العصبه (مسألة التعصیب) ----- عربی -----
- ۳۰- حول دیات ظریف ابن ناصح ----- عربی -----
- ۳۱- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیة الاستخارة) ----- عربی -----
- ۳۲- الشعائر الحسینیه ----- عربی -----
- ۳۳- آنچه هر مسلمان باید بداند ----- ترکی
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۳
- اصول فقه:
- ۳۴- بیان الاصول در ۳ جلد ----- عربی -----
- ۳۵- رسالة فی الشهرة ----- عربی -----
- ۳۶- رسالة فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهة الحکمیة ----- عربی -----
- ۳۷- رسالة فی الشروط ----- عربی -----
- قرآن و تفسیر:
- ۳۸- تفسیر آیه فطرت ----- فارسی -----
- ۳۹- القرآن مصون عن التحریف ----- عربی -----
- ۴۰- تفسیر آیه التطهیر ----- عربی -----
- ۴۱- تفسیر آیه الانذار ----- عربی -----
- عقاید و کلام -----
- ۴۲- عرض دین ----- فارسی -----
- ۴۳- به سوی آفریدگار ----- فارسی -----

- ۴۴- الهیات در نهج البلاغه----- فارسی-----
- ۴۵- معارف دین ۲ جلد----- فارسی-----
- ۴۶- پیرامون روز تاریخی غدیر----- فارسی-----
- ۴۷- ندای اسلام از اروپا----- فارسی-----
- ۴۸- نگرشی بر فلسفه و عرفان----- فارسی-----
- ۴۹- نیایش در عرفات----- فارسی-----
- ۵۰- سفرنامه حج----- فارسی-----
- ۵۱- شهید آگاه----- فارسی-----
- ۵۲- نوید امن و امان----- فارسی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۴
- ۵۳- پاسخ ده پرسش----- فارسی-----
- ۵۴- اصالت مهدویت----- فارسی-----
- ۵۵- تجلی توحید در نظام امامت----- فارسی----- عربی
- ۵۶- نظام امامت و رهبری----- فارسی-----
- ۵۷- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی----- فارسی-----
- ۵۸- پیرامون معرفت امام----- فارسی-----
- ۵۹- عقیده نجات بخش----- فارسی-----
- ۶۰- به سوی دولت کریمه----- فارسی-----
- ۶۱- باورداشت مهدویت----- فارسی----- عربی
- ۶۲- انتظار، عامل مقاومت و حرکت----- فارسی-----
- ۶۳- فروغ ولایت در دعای ندبه----- فارسی----- عربی
- ۶۴- معرفت حجت خدا----- فارسی-----
- ۶۵- وابستگی جهان به امام زمان----- فارسی-----
- ۶۶- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه----- فارسی----- انگلیسی
- ۶۷- امامت و مهدویت----- فارسی-----
- ۶۸- پیام‌های مهدوی----- فارسی-----
- ۶۹- گفتمان مهدویت----- فارسی----- انگلیسی
- ۷۰- گفتمان عاشورایی----- فارسی-----
- ۷۱- مقالات کلامی----- فارسی-----
- ۷۲- الی هدی کتاب الله----- عربی-----
- ۷۳- ایران تسمع فتجیب----- عربی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۵
- ۷۴- رساله حول عصمة الانبياء و الائمة----- عربی-----

- ۷۵- تعلیقات علی رساله الجبر و القدر----- عربی-----
- ۷۶- لمحات فی الكتاب و الحدیث و المذهب----- عربی-----
- ۷۷- صوت الحق و دعوة الصدق----- عربی-----
- ۷۸- رد اذوبه خطبه الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام----- عربی-----
- ۷۹- مع الخطیب فی خطوطه العریضه----- عربی----- اردو/ فرانسه
- ۸۰- رساله فی البداء----- عربی-----
- ۸۱- جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر----- عربی-----
- ۸۲- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقه----- عربی-----
- ۸۳- من لهذا العالم؟----- عربی-----
- ۸۴- بین العلمین، الشیخ الصدوق و الشیخ المفید----- عربی----- فارسی
- ۸۵- مقدمات مفصله علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقی الجمان»----- عربی-----
- ۸۶- امان الائمة من الضلال و الاختلاف----- عربی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۶
- ۸۷- البكاء علی الامام الحسین علیه السلام----- عربی-----
- ۸۸- النقود اللطیفه علی الكتاب المسمى بالاخبار الدخیله----- عربی-----
- حدیث:
- ۸۹- منتخب الاثر در ۳ جلد----- عربی----- اردو/
- انگلیسی
- ۹۰- قیس من مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام
- (مئه و عشر حدیث من کتب عامه)----- عربی----- فارسی
- ۹۱- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها----- عربی-----
- ۹۲- احادیث الفضائل----- عربی-----
- ۹۳- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام----- فارسی-----
- تاریخ:
- ۹۴- سیرحوزه‌های علمی شیعه----- فارسی-----
- ۹۵- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)----- فارسی-----
- سیره:
- ۹۶- پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام----- فارسی-----
- ۹۷- با عاشورایان----- فارسی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۷
- ۹۸- آینه جمال----- فارسی-----
- ۹۹- از نگاه آفتاب----- فارسی-----
- ۱۰۰- اشک و عبرت----- فارسی-----

تربیتی:

۱۰۱- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق----- فارسی-----

۱۰۲- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر----- فارسی-----

۱۰۳- با جوانان----- فارسی-----

شعر:

۱۰۴- دیوان اشعار----- فارسی-----

۱۰۵- بزم حضور----- فارسی-----

۱۰۶- آفتاب مشرقین----- فارسی-----

۱۰۷- صحیفه المؤمن----- فارسی-----

۱۰۸- سبط المصطفی----- فارسی-----

۱۰۹- در آرزوی وصال----- فارسی-----

مقاله‌ها و خطابه‌ها:

۱۱۰- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)----- فارسی-----

۱۱۱- شب پرگان و آفتاب----- فارسی-----

۱۱۲- شب عاشورا----- فارسی-----

۱۱۳- صبح عاشورا----- فارسی-----

تراجم:

۱۱۴- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جوادصافی گلپایگانی----- فارسی-----

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: ۱۸۸

۱۱۵- زندگانی جابر بن حیان----- فارسی-----

۱۱۶- زندگانی بوداسف----- فارسی-----

[۱] (۱). بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۴.

[۲] (۲). فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹؛ کفایه الطالب، ج ۱، ص ۱۸.

[۳] (۱). بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۷.

[۴] (۱). المناقب خوارزمی، ص ۳۷؛ المقتل، ۴۲؛ طبع نجف، ینابیع الموده، ص ۸۲.

[۵] (۲). اسد الغابه، ۴، ص ۲۳.

[۶] (۱). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، ۱۵، ص ۱۹۴.

[۷] (۱). نک نهج البلاغه، کلمات قصار، ۷۴.

[۸] (۲). نهج البلاغه، نامه ۴۵.

[۹] (۳). خطبه قاصعه، نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۲.

[۱۰] (۱). این عدد معادل نام شریف علی علیه السلام به حسب حروف ابجد است. البته با محاسبه احادیثی که در پانوشت بدان افزودم بیش از این شمار شده است. و الحمدلله.

[۱۱] (۱). رشفة الصادی فی بحر فضائل بنی النبی الهادی، ابوبکر حضرمی، ص ۷۵.

[۱۲] (۱) گروهی از ارباب صحاح اهل سنت و مسانید و جوامع روایی آنان به طرق بسیار و صحیح که متجاوز از حد تواتر است نقل کرده‌اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام مراجعت از «حجۀ الوداع» در مکانی به نام «غدیر خم» توقف کرده و خطبه‌ای ایراد کرد و مسلمانان را به چنگ زدن به دو گوهر گرانبها (یعنی کتاب خدا و خاندان پیامبر) توصیه فرمود و افزود که این دو هیچ گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درآیند، آن گاه بازوی علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای اویم علی نیز مولای اوست...»

\E***Y عقیده نگارنده این است که: احادیث «غدیر»، «ولایت»، «ثقلین»، «منزلت»، «ائمه اثنا عشر»، «طیر»، «کساء»، «مباهله»، و احادیث دیگر از این قبیل تمامی از مشهورترین روایات با صحیح‌ترین اسناد، و طرق فراوان می‌باشند که جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل آنها پرداخته‌اند و احدی قادر نیست در بین روایات، احادیثی را که قابل سنجش با احادیث یاده شده از حیث اعتبار و تواتر و شهرت را بیابد مگر خیلی کم. و ضبط کلیه اسناد و الفاظ این روایات فوق العاده دشوار است به نحوی که برای آنها تک‌نگاری‌هایی در دست است و گاه برخی از آنها چند مجلد را تشکیل می‌دهد که در این دفتر فهرست و از باب تبرک و تیمن آنها را نقل می‌کنیم.

و سپاس ویژه خداوندی است که ما را از متمسکین به ولایت امیر المؤمنین و ائمه از فرزندان او تا امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داد.

[۱۳] (۱) تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۲، ص ۴۱۲/۹۲۳.

نیز نک: الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵؛ تفسیر روح المعانی، ج ۱۳، ص ۹۷؛ تفسیر طبری، ج ۳، ص ۷۲.

این حدیث از روایات مشهور است. سیوطی در الدر المنثور درباره آن گوید: این حدیث را ابن جریر و ابن مردویه، و ابو نعیم در المعرفة، و دیلمی، و ابن عساکر و ابن نجار نقل کرده‌اند.

چون آیه: «انما انت مُنذر و لکل قوم هاد» [سوره رعد، آیه ۷] (همانا تو بیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت کننده‌ای است) فرو فرستاده شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارک خویش به سینه نهاد و گفت: «من بیم دهنده‌ام.» آن گاه با دست خود به شانه علی اشاره کرده فرمود: «یا علی! تو هدایت کننده‌ای و هدایت شوندگان پس از من توسط تو راه می‌یابند.»

و مانند همین را از ابی برزه، ابن مردویه، ضیاء در المختاره از ابن عباس و از عبدالله بن احمد در زوائد المسند ابن ابی حاتم و طبرانی در الاوسط و حاکم نقل نموده و آن را صحیح تلقی کرده است.

و ابن مردویه و ابن عساکر از علی بن ابی طالب نقل کرده‌اند که در خصوص آیه: «انما انت مُنذر و لکل قوم هاد» فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله بیم دهنده است و من هدایت کننده‌ام.»

[۱۴] (۱). الفردوس، ج ۱، ص ۴۴/۱۰۶؛ المستدرک (حاکم)، ج ۳، ص ۱۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۷۷ و ج ۴، ص ۳۴۸؛ مجمع

الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۳۸؛ اللآلی المصنوعه (سیوطی)، ج ۱، ص ۳۲۹؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۲.

در کتاب فتح الملک العلی بصره حدیث باب مدینه العلم علی، ص ۱۶۴ این گونه آمده است:

حافظ سیوطی در الجامع الکبیر می‌گوید: مدتی بود که در مقام پاسخگویی به این پرسش که سند این حدیث چگونه است می‌گفتم: حسن است تا از حسن اتفاق مواجه شدم با تصحیح ابن جریر در رابطه با نقل حدیث از علی از کتاب تهذیب الآثار به همراه تصحیح حاکم نیشابوری نسبت به نقل این روایت از ابن عباس، آن گاه استخاره کردم و مطمئن شدم به ارتقاء مرتبه حدیث

از «حسن» به «صحيح».*

نیز رجوع شود به کتاب «مناقب سیدنا علی»، ص ۲۵ و کتاب المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶. ترمذی در کتاب الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۶۳۷/۳۷۲۳ از علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من خانه حکمت و علی باب آن است».

و ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۲، ص ۴۵۹/۹۹۰ و ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۴ همین حدیث را ثبت کرده‌اند.

و رجوع نماید به کتاب فتح الملک العلی بصره حدیث باب مدینه العلم علی علیه السلام که در آن علم فراوانی خواهید یافت. نیز از سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که حضرت فرمودند: «داناترین امت بعد از من علی بن ابی طالب است».

الفردوس، ج ۱، ص ۳۷۰/۱۴۹۱؛ جمع الجوامع/۳۷۹۴؛ کنز العمال/۳۲۹۷۷.

سعید بن مسیب گوید: «در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها کسی که مدعی «سلونی» (از من پرسش کنید) شده، علی بن ابی طالب بود».

توضیح الدلائل، ص ۲۱۱؛ الاستیعاب (چاپ شده در حاشیه الاصابه)، ج ۳، ص ۴۰، تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۳، ص ۱۰۵۴/۳۱.

از سفیان نقل است که گفت: «احدی با علی احتجاج نداشت جز آن که علی با براهین، استدلال او را بر هم زد و او چیره شد». مناقب ابن مردویه، ۸۷/۷۷.

ابن مردویه گوید: برای صحابه پیامبر اقدس اکرم صلی الله علیه و آله پیشامد ناگواری رخ داد از این رو عمر آنها را فرا خواند به علی گفت: «تو راه حل بده که بهترین و داناترین آنانی».

کتاب ملحقات احقاق الحق، ۲۳۳: ۸. و عبارتی نزدیک به این مضمون در ذخائر العقبی، ص ۸۱ نقل شده است. و نیز در نقل‌ها فراوان آمده است که عمر همیشه می گفت: «اگر علی نبود، عمر هلاک می شد».

رجوع شود به کتاب الاستیعاب (چاپ شده در حاشیه الاصابه) ۳۹: ۳.

به طور خلاصه باید گفت: «در کتاب الغدیر صد و چهل و سه مصدر برای این حدیث ذکر کرده. و علامه لکهنوی درباره این حدیث و مباحث پیرامون آن دو جلد کتاب قطور تصنیف کرده که صفحات آن بالغ بر ۱۳۴۵ خواهد بود».

[* حدیث صحیح عبارت است از حدیث مسندی که اسناد آن به نقل عادل با قدرت ضبط و حفظ قوی از افراد مانند خود روایت کرده باشند و تحت عنوان شاذ و معلل قرار نگیرد. نک: ارشاد طلاب الحقائق الی معرفه سنن خیر الخلائق.]

[۱۵] (۱). الفردوس، ۱/۴۴/۱۰۷؛ کشف الخفاء، ۱/۲۳۶.

[۱۶] (۱). الفردوس، ۲/۲۴۴/۳۱۵۱؛ الجامع الصغیر، ۶۶۵: ۱/۴۳۳۲؛ کنز العمال، ۱۱/۶۰۱/۳۲۸۹۴؛ مناقب علی ابی طالب (ابن مغازلی)، ۲۰۶/۲۴۳.

[۱۷] (۱). الفردوس، ۴۶: ۱/۱۱۵؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۶۳۱۷۴: ۳/۱۱۷۸ و ۱۱۸۵؛ کنز العمال، ۳۲۹۶۸. از ابن عمر روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم از درخت‌های متعددند و من و علی از یک درخت آفریده شده‌ایم».

نیز نک: توضیح الدلائل از شهاب الدین، ایجی/۱۲۳.

[۱۸] (۱). الفردوس ۴۶: ۱/۱۱۵، تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۶۳ ۱۷۴: ۳/۱۱۷۸ و ۱۱۸۵؛ کنز العمال/۳۲۹۶۸.

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «علی پس از من آنچه را که مردم از تأویل قرآن نمی‌دانند را به آنها تعلیم می‌دهد.» شواهد التنزیل، ۳۹: ۱/ ۲۸.

[۱۹] (۱) الفردوس، ۵۲: ۱/ ۱۳۵؛ تنزیه الشریعه، ۱۴: ۱؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۴/ ۲۳۱.

و عبدالرحمن بن عوف از رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه روایت کرده است که حضرت فرمود:

«من درختم، و فاطمه تنه و فرع آن، و علی موجب باروری آن است و حسن و حسین میوه آن، و شیعیان ما برگ آنند. و اصل آن درخت در بهشت عدن قرار دارد و باقیمانده اجزایش در دیگر جاهای بهشت است.» المستدرک علی الصحیحین، ۱۷۴: ۳/ ۴۷۵۵.

[۲۰] (۱) میزان الاعتدال ذهبی، ۳/ ۷۶.

و از انس روایت آورده که گفت: در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم ناگهان علی را دیدم که از روبرو می‌آید حضرت فرمود: «انس! عرضه داشتم: بلی یا رسول الله. فرمود: این که از مقابل می‌آید حجت من است بر امتم در رستاخیز.» جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۹۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۲، ح ۸۰۰ و مابعد آن.

[۲۱] (۱) الفردوس، ۱۵۲: ۱/ ۵۵۲.

[۲۲] (۱) مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۱۲ به نقل از طبرانی.

[۲۳] (۱) الصواعق، ۹۷، (چاپ مصر) سال ۱۳۰۸؛ ذخائر العقبی (چاپ مصر) سال ۱۳۵۶ و غیر آن دو.

[۲۴] (۱) تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۳۳۷: ۲/ ۸۴۶؛ ذخایر العقبی، ۸۹؛ الریاض النضره، ۲/ ۲۰۹؛ جواهر المطالب، ۱/ ۲۲۷.

[۲۵] (۱) الفردوس، ۸۵: ۲/ ۲۴۵۹؛ کنز العمال ۳۳۰۳۱؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۱۸: ۲/ ۱۸۲؛ مقتل الحسین (ع) خوارزمی، ۹۷: ۲.

[۲۶] (۱) الفردوس، ۱۰۰: ۲/ ۲۵۳۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۷۸: ۲/ ۱۸۲؛ جواهر المطالب، ۲۲۷: ۱؛ فرائد السمطین، ۲۹۲: ۱.

انس در ضمن حدیثی روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند تو نخستین آنهایی» و این را سه مرتبه بیان فرمود. علی سؤال کرد: پدر و مادرم به فدایت آن سه تن کیان‌اند؟ جواب داد: «مقداد و سلمان و ابوذر رضوان الله علیهم» مجمع الزوائد، ۹/ ۱۱۷.

و از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از هیچ آسمانی نگذشتم جز آنکه اهل آن را در آرزوی دیدار علی بن ابی طالب یافتم. و هیچ پیامبری در بهشت نیست جز آنکه مشتاق علی بن ابی طالب است.» جواهر المطالب، ۱/ ۲۵۷.

[۲۷] (۱) الفردوس، ۲/ ۱۳۲ / ۲۶۷۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۷۱: ۲/ ۷۹۷. نیز نک: مناقب ابن مغزلی، ۴۷/ ۷۰.

عمّار بن یاسر و ابو ایوب انصاری گفته‌اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق علی بر مسلمانان همان حق پدر است بر فرزند.» جواهر المطالب، ۹۱: ۱؛ الریاض النضره، ۱۱۷: ۲.

[۲۸] (۱) الفردوس، ۱۴۲ / ۲۷۲۲؛ تنزیه الشریعه، ۳۵۵: ۱؛ الفوائد المجموعه، ۳۶۷.

[۲۹] (۱) الفردوس، ۱۴۲: ۲/ ۲۷۲۳.

[۳۰] (۱) الفردوس، ۱۴۲: ۲/ ۲۷۲۵.

[۳۱] (۱) المناقب خوارزمی، ۴۱ / ۶۸. این حدیث را ابن مردویه طبق آنچه شهاب الدین ایجی شافعی در توضیح الدلائل ۱۷۸ آورده، نقل نموده است.

و نیز محب الدین طبری در ذخائر العقبی، ص ۷۲ از عائشه نقل می‌کند که چون رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد فرمود: «حبیب مرا به نزدیم بیاورید.» ابوبکر را حاضر کردند حضرت به او نگریست دوباره سر خود را بر بالین نهاد، و بار دیگر همان را تکرار فرمود. عمر را فرا خواندند. همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مشاهده کرده سر بر زمین نهاد و باز فرمود: حبیب مرا بگوئید بیاید. علی را دعوت کردند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید همراه با خود او را داخل پارچه‌ای کرد که رویش انداخته بودند، همچنان او را در آغوش داشت تا جان به جان آفرین تسلیم کرد.

و نیز این حدیث در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۳/ ۱۷/ ۱۰۳۶؛ جواهرالمطالب، ۱/ ۱۷۵ نقل شده است. از عبدالله بن عمر روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگام بیماریش فرمود: «برادرم را نزد من فرا خوانید.» ابوبکر را گفتند، حضرت از او روی برگرداند آن‌گاه فرمود: «بگوئید برادرم بیاید.» عمر را گفتند آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از او نیز روی گردانیده آن‌گاه فرمود: «برادرم را بگوئید بیاید.» عثمان را گفتند آمد پس حضرت از او نیز روی برگرداند. پس علی را فراخواندند پیامبر پارچه‌ای رویش بود برداشت و علی را در زیر آن پارچه داخل نمود، هنگامی که علی از حضور پیامبر خارج شد. از ایشان سؤال شد رسول خدا چه چیزی در زیر پارچه به تو فرمود؟ گفتند: رسول خدا مرا هزار باب آموخت که از هر بابی هزار باب گشوده می‌شود.

مسند ابی یعلی موصلی؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۲: ۸؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۴۸۳: ۲/ ۱۰۱۲؛ کفایه الطالب، ۱۳۳. [۳۲] (۱). الاصابة فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی (چاپ قاهره، ۱۳۲۸ ه، ط ۱) ۴۰۳: ۴، ترجمه لیلی الغفاریه. و نیز ابن اثیر جزری در اسدالغابه (چاپ بیروت، دار احیاء التراث العربی) ۵۴۷: ۵.

[۳۳] (۱) الفردوس، ۶۱: ۳/ ۴۱۷۲، و ۳۵۸: ۲/ ۳۵۹۹؛ انساب الاشراف بلاذری، ۱۸۲: ۲ و در ذیل صفحه از تاریخ دمشق، ۴۱: ۳۸/ ۸۵۱.

از جابر بن عبدالله روایت شده ما در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که علی از روی او به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به او افتاد فرمود: «قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست این و شیعانش روز رستاخیز پیرومند و رستگارند.» و آیه ۹۸ سوره بینه نازل شد (کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان بهترین مردم هستند.) مجمع الزوائد، ۱۳۱: ۹.

و گنجی با اسناد خود از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی نگاه کرد و فرمود: «این و پیروانش رستگاران روز رستاخیز هستند.» در ادامه می‌فرماید: من این حدیث را از گروه بسیار و طرق گوناگون شنیدم. کفایه الطالب، ۱۷۵. و مناوی این حدیث را این گونه نقل کرده است: «شیعیان علی رستگاراند». کنوز الحقائق، ۲۵۱۵: ۱/ ۱۷. [۳۴] (۱). الفردوس، ۴۰۳: ۲/ ح ۳۷۹۳.

[۳۵] (۱) الفردوس، ۴۲۱: ۲/ ۳۸۶۶؛ جمع الجوامع/ ۱۱۰۸۳؛ فیض القدیر، ۵۱۴۸ از ابن عباس و ۵۱۴۹ همان؛ الدر المنثور، ۲۶۲: ۳؛ تفسیر القرطبی، ۳۰۶: ۱۵؛ کنز العمال/ ۳۲۸۹۷ و ۳۲۹۸۹، المناقب خوارزمی، ۳۱۰/ ۳۰۷؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۸۲: ۲/ ۸۱۲؛ الجامع الصغیر، ۱۱۵: ۲/ ۵۱۴۸؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ۱۲۵. نیز رجوع فرمایید به: الدر المنثور، ۱۵۴: ۶؛ فتح القدیر، ۱۵۱: ۴؛ تفسیر روح المعانی، ۱۱۴: ۲۷ در تفسیر آیه: «و السابقون السابقون» و فضائل اثرا بن حنبل، ۱۳۱ و ۱۷۰.

[۳۶] (۱). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام: ۱، ۱۸۱.

[۳۷] (۱). الفردوس، ۶۱: ۳/ ۴۱۷۱.

مسند احمد، ۴، ص ۱۶۵؛ سنن الترمذی/ ۳۷۱۹؛ سنن ابن ماجه/ ۱۱۹؛ المعجم الکبیر، ۱۹: ۴ و ۲۰؛ خصائص نسایی، ۱۶۶/ ۹۰.

نیز رجوع فرماید به: ارجح المطالب، ۵۴۸، و ابن اثیر در اسد الغابۀ، ج ۴، ص ۲۷ حدیث را این گونه روایت کرده است: «همانا علی از من است و من از علی و اوست سرپرست هر مؤمنی و پس از من»؛ کنز العمال، ۶۱۲: ۱۱/۳۲۹۶۱.

[۳۸] (۱). الفردوس، ۶۲: ۳/۴۱۷۳؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج ۲، ح ۲۰۳۵؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح ۵۵۹۷.

ابن عبدالبر در استیعاب (چاپ شده در حاشیۀ الاصابه) در ترجمه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۳، ص ۳۵ می‌نویسد: این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که به علی فرمود: تو نسبت به من همچون موسی علیه السلام هستی به هارون (پیامبر) جمعی از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند و این از حیث سند از جمله بهترین آثار ثبت شده و صحیح‌ترین آنهاست. خوارزمی در کتاب مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۴۸ گفته است: این حدیث را جماعتی از صحابیان روایت کرده‌اند که عبارتند از: علی، عمر، عامر بن سعد، سعد بن ابی وقاص، ام سلمه، ابو سعید، ابن عباس، جابر، ابوهریره، جابر بن سمره، جشی بن جناده، انس، مالک بن جویرث، ابوایوب، یزید بن ابی اوفی، ابو رافع، زید بن أرقم، براء، عبدالله بن ابی اوفی، معاویۀ بن ابی سفیان، ابن عمر، بریدۀ بن حصیب، خالد بن عرفطه، حذیفۀ بن اسید، ابوالطفیل، اسماء بنت عمیس، فاطمه دخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه دخت حمزۀ بن عبدالمطلب.

گنجی شافعی در کفایۀ الطالب (باب ۷۰، ص ۲۸۳) می‌نویسد: حاکم نیشابوری گفته است: این حدیث در حد تواتر است.

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۲ می‌نویسد: این همان حدیث منزلت است که شیخ ما ابو حازم درباره آن می‌گوید: آن را با پنج هزار سند تخریج نموده‌ام.

سیوطی در الدر المنثور، ۳/۲۶۶؛ ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمۀ الامام علی علیه السلام)، ۳۰۷: ۱/۳۳۶ و ابن حجر در الاصابه (۲/۹۰۵) از سعد بن ابی وقاص نقل کرده‌اند: علی بن ابی طالب همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه بیرون رفت وقتی به حجۀ الوداع رسید و پیامبر عازم تبوک بود گریست و به پیامبر چنین گفت: «مرا میان زنان و اطفال نهاده و خود به تبوک می‌روید.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا راضی نیستی موقعیت نسبت به من همچون موقعیت هارون به موسی باشد جز در نبوت؟!» نیز رجوع شود به کنز العمال، ۱۳/۱۷۱/۳۶۵۱۷؛ مجمع الزوائد، ۹/۱۱۰.

[۳۹] (۱). الفردوس، ۶۲: ۳/۴۱۷۴؛ فیض القدیر/۵۵۹۶؛ زهر الفردوس، ۳۱۶: ۲ به گونه مسند؛ مناقب خوارزمی، ۱۶۷/۱۴۴ و ۱۴۸/۱۷۴، و ابن مغزلی در المناقب، ۱۳۵/۹۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «علی نسبت به من همچون سر است به بدنم.» و با سند دیگری به شماره ۱۳۶ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت فرمود: «علی نسبت به من مانند سرم است به تنم.»

نیز مراجعه شود به: الجامع الصغیر سیوطی، ۲، ص ۱۷۷/۵۵۹۶؛ کنز العمال، ۶۰۳: ۱/۳۲۹۱۴.

[۴۰] (۱). الفردوس: ۶۳/۴۱۷۸؛ فیض القدیر، ۵۵۹۹؛ زهر الفردوس، ۳۱۵: ۲؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح ۵۵۹۹.

[۴۱] (۱). الفردوس، ۶۴: ۳/۴۱۷۹؛ فیض القدیر، ۵۵۹۲؛ کنز العمال/۳۲۹۱۰؛ زهر الفردوس، ۳۱۵: ۲ به نقل از ابن عمر. الجامع الصغیر، ۹۶: ۲.

[۴۲] (۱). الفردوس، ۶۴: ۳/۴۱۸۰. نیز مراجعه شود به طبقات الحنابله، ۳۲: ۱؛ تاریخ دمشق (ترجمۀ الامام علی علیه السلام) ۲۵۳: ۲/۷۷۵.

دارقطنی در العلل الواردة (۲۷۳: ۶/۱۱۳۲) از ابوذر روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علی تقسیم گر آتش دوزخ است، دوستانش را به بهشت و دشمنانش را به دوزخ می‌افکند.»

در طبقات الحنابله (۳۲۰: ۱/۴۴۸) محمد بن منظور طوسی می‌گوید: نزد احمد بن حنبل بودیم که مردی به وی گفت: ای اباعبدالله! چه گویی درباره این حدیثی که علی گفته است: «من تقسیم کننده آتش دوزخم.»

احمد گفت: چه انکاری در این حدیث دارید؟ مگر برای ما از پیامبر روایت نشده که به علی فرمود: «جز مؤمن تو را دوست نمی‌دارد، و جز منافق تو را دشمن نمی‌دارد؟» گفتم: [چرا.] گفت: [جای مؤمن کجاست؟ گفتیم: بهشت. گفت: [جای منافق در کجاست؟ پاسخ دادیم، در آتش. گفت بنابراین علی تقسیم‌گر آتش دوزخ است.

[۴۳] (۱). کنز العمال، ۶۳۹: ۳۷۶۱۳/۱۲ به نقل از مستدرک حاکم و صواعق و ذخائر العقبی و غیر آن.

[۴۴] (۱). اسد الغابه، ۳۰: ۴. در آن آمده است این حدیث را بیش از یک راوی از انس روایت کرده‌اند. البدایه و النهایه، ۳۵۴: ۷ و ۳۸۸؛ العلل المتناهیه، ۳۲۳: ۳۶۷/۱ و ۳۷۳/۲۳۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶/۲۳۶ و ۳۷۷؛ تاریخ دمشق، ۲/ ۱۳۱/ ۶۳۹ و در موارد متعدد دیگر این کتاب این حدیث نقل شده است.

خوارزمی در مقتل الحسین علیه السلام، ص ۴۶ می‌نویسد: حافظ ابن مردویه این حدیث را با صد و بیست سند روایت کرد: و ابو عبدالله حافظ گوید: حدیث طبر را اگر چه مسلم و بخاری در کتاب خود نیاورده‌اند صحیح است اگر خواهان اطلاعات گسترده‌تر در این زمینه هستید به کتاب العباقت مراجعه فرمایید.

[۴۵] (۱). المعجم الصغیر، طبرانی، ۸۸: ۲، و در کنز العمال (۶۱۹: ۳۳۰۹/۱۱) آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «مرحبا به آقای مسلمانان، و امام پروا پیشگان.»

ابو نعیم اصفهانی در کتاب حلیه الاولیاء (۶۳: ۱) از انس نقل روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انس! آب جهت وضو ساختن برایم بیاور.» آن‌گاه برخاست و دو رکعت نماز گزارد سپس فرمود: «ای انس! نخستین کسی که از این در در آید، امیر مؤمنان و آقای مسلمانان و پیشوای سفید رویان درخشان چهره و خاتم وصیان است.»

انس گفت: «عرضه داشتم: خدایا! مردی از انصار باشد؛ و این خواسته را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پوشیده داشتم.» آن‌گاه علی آمد. پیامبر سؤال کرد: «انس! کیست؟» گفتم: «علی.» پیامبر با شادمانی برخاست و او را در آغوش گرفت، سپس بنا کرد عرق چهره‌اش را به صورت علی مالید و عرق چهره علی را به رخسار خود می‌مالید.

علی گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! کاری کردید که پیش از این با من نمی‌کردید؟!»

حضرت فرمود: «چرا نکنم درحالی که تو آنچه بر من است ادا خواهی کرد و آوای مرا به ایشان می‌رسانی و آنچه را که بعد از من در آن اختلاف کنند، حق را برای آنان بیان می‌کنی.»

ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۴۸۶: ۲/ ۱۰۱۴ و در مستدرک ۱۲۷: ۳ چنین ثبت شده است به من سه چیز درباره علی وحی شده است: او سید مسلمانان و ... است.

حاکم می‌نویسد: این حدیث دارای اسناد صحیحی می‌باشد ولی مسلم و بخاری آن را نیاورده‌اند.

[۴۶] (۱). الفردوس، ۴۲۸۴/۳ از عمر. و سیوطی در اللالی برای آن طریق دیگری ذکر کرده است (یعنی غیر از طریقی که تضعیف کرده‌اند. گرچه تضعیفشان هم چون به دلیل آن است که راوی از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده، این تضعیف بی‌وجه است. و آن را طبرانی از ابن موسی نقل کرده که او گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من و علی و فاطمه و حسن و حسین در قیامت در قبه‌ای تحت عرش قرار داریم. و این طریق هم بدون اشکال نیست و مؤید طریق دیگر خواهد شد.»

[۴۷] (۱). الفردوس، ۲۲۷: ۳/ ۴۶۶۶. و ابو نعیم در الحلیه، ۶۴۶۵: ۱ آن را تخریج کرده؛ الجامع الکبیر، ۵۵۰: ۲.

[۴۸] (۱). الفردوس، ۲۳۰: ۳/ ۴۶۷۸؛ مناقب سیدنا علی، ۳۸؛ مجمع الروائد، ۱۳۴/ ۹. همچنین رجوع شود به المناقب خوارزمی، ۱۷۶/ ۲۱۴؛ توضیح الدلائل: ۲۰۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۴: ۳؛ کنز العمال، ۶۰۳: ۱۱/ ۳۲۹۱۲؛ الجامع الصغیر، ح ۵۵۹۴؛ مجمع الزوائد، ۱۳۴: ۹ باب؛ الحق مع علی علیه السلام.

[۴۹] (۱). الفردوس، ۶۵: ۳/ ۴۱۸؛ زهر الفردوس، ۳۱۷ ۳۱۶: ۲، به صورت مسند؛ کنز العمال، ۲۱۲: ۱۲ و ۱۵۶: ۶؛ القول الجلی ح

- ۳۸ و غیر آنها. و مانند آن چیزی است که روایت کرده‌اند در المستدرک، ۳۶؛ کنوز الحقائق، ص ۱۸۸؛ حلیه الاولیاء، ۶۳: ۱.
- [۵۰] (۱). الفردوس، ۲۸۳: ۳/ ۴۸۵۱. نیز نک: مناقب سیدنا علی، ۲۱؛ ینابیع الموده، ۱۱۸؛ المناقب خوارزمی، ۱۴۵/ ۱۷۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۵۱: ۱/ ۱۸۶؛ کفایه الطالب، ۳۱۵، ب ۸۷؛ المناقب، ابن مغزلی، ۱۳۲/ ۷۸، ۱۳۰.
- [۵۱] (۱). الفردوس، ۳۵۴: ۳/ ۵۰۶۶.
- [۵۲] (۱). الفردوس، ۳۶۳: ۳/ ۵۱۰۰؛ کنز العمال، ۳۲۹۹۳؛ المناقب خوارزمی، ۱۴۶/ ۱۳۱. و نزدیک به آن را در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۶۴: ۲/ ۸۷ نقل کرده است؛ ذخائر العقبی، ۱۰۰.
- [۵۳] (۱). الفردوس، ۳۶۴: ۳/ ۵۱۰۳؛ تنزیه الشریعه، ۱، ص ۳۹۸؛ المناقب خوارزمی، ۶۷/ ۴۰.
- [۵۴] (۱). الدر المنثور، ۲۰۹: ۳ و ۲۱۰ همان؛ کنز العمال، ۴۲۲: ۲؛ فتح القدر، ۳۳۴: ۲؛ فضائل الصحابه از احمد بن حنبل، ۵۶۲: ۲، ح ۹۶۴.
- [۵۵] (۱). الفردوس، ۴۲۹: ۱/ ۱۷۵۱؛ امالی شجری، ۱۳۴: ۱؛ کنز العمال، ۳۲۹۵۳. و آن را هیشمی در مجمع الزوائد، ۱۰۸: ۹ نقل کرده است.
- [۵۶] (۱). الفردوس، ۳۷۳: ۳/ ۵۱۳۰.
- ابن مردویه با اسناد خود از امّ ایمن نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله صبحگاه عروسی فاطمه و علی به او فرمود: «ای ام ایمن، برادرم را بگو بیاید.» ام ایمن گفت: مرادتان کیست؟ فرمود: «علی.» امّ ایمن با تعجب پرسید: چگونه علی برادر تو است در حالی که دخترت را به عقد او در آورده‌ای؟! حضرت فرمود: «اینچنین است به خدا قسم فاطمه را به ازدواج هم شأنی در آوردم که در این سرا و سرای دیگر شرافتمند است.» مناقب ابن مردویه، ۱۰۱/ ۱۰۴. و نزدیک به آن را در المستدرک علی الصحیحین، ۱۵۹: ۳ می توان دید.
- [۵۷] (۱). الفردوس، ۳۷۳: ۳/ ۵۱۳۵.
- [۵۸] (۱). مجمع الزوائد هیشمی، ۱۲: ۹؛ لسان المیزان، ۴۱۴: ۲. نیز رجوع شود به المناقب ابن مغزلی، ۹۳/ ۶۵. او به اسناد خود نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! تو آقای مسلمانان، پیشوای پروا پیشگان و رهبر نامدار و سپیدان و خسرو دینی.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ح ۱۱۹ و آنچه پیرامون حدیث نقل کرده‌اند.
- [۵۹] (۱). الفردوس، ۴۵۵: ۳/ ۵۴۰۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۹۴: ۳.
- [۶۰] (۱). الفردوس، ۵۰۸: ۳/ ۵۵۷۹ و ۳۲۱: ۵/ ۸۳۱۶. از جابر و او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «ای علی! چنانکه اتم با تو دشمنی ورزید، خداوند آنان را با نوک بینی شان در آتش می اندازد.» تنزیه الشریعه: ۳۶۰. اللآلی المصنوعه، ۱/ ۱۹۰.
- و در کتاب الفردوس، ۳۳۰: ۵/ ۸۳۳۹ و زهر الفردوس، ۳۱۲: ۴ به صورت مسند از بهز بن حکیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «ای علی! باکی ندارم هر کس با دشمنی تو دنیا را ترک گوید، یهودی بمیرد یا نصرانی.» این حدیث را ابن مغزلی در المناقب ((۷۴/ ۵۰)) از معاویه بن حیده نقل کرده است.
- و از ابن هارون نقل شده که گفت: با ابن عمر در جایی نشسته بودیم که نافع بن ارزق به ما نزدیک شد و بالای سر ابن عمر ایستاد و سوگند یاد کرد و گفت: به خدا سوگند که بغض علی را در دل نهفته دارم. روای گوید: ابن عمر سر بلند کرد و گفت: خدایت دشمن بدارد، بغض شخصیتی را در دل می گیری که یکی از سوابقش از دنیا و هر چه در آن است برتر و بهتر است.
- المصنف، ابن ابی شیبّه، ۱۶۰: ۶؛ شواهد التنزیل، ۲۰: ۱/ ۱۲.
- [۶۱] (۱). الفردوس، ۵۴۲: ۳/ ۵۶۸۹؛ فیض القدر، ۸۷۳۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۳۲۳: ۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۳۰: ۳؛

مجمع الزوائد، ۱۳۰: ۹؛ الجامع الصغیر، ح ۸۷۳۶؛ خوارزمی در کتاب المناقب (۱۵۴/۱۳۶) از سعید بن جبیر نقل کرده که گفت: ابن عباس مطلع شد جمعی به بدگویی علی علیه السلام مشغولند. به فرزند خود (علی بن عبدالله) گفت: «دستم را بگیر و مرا به مجمع آنها ببر». فرزندش اطاعت کرد. وقتی به آنها رسید گفت: «کدام یک از شما داشت به خدا ناسزا می گفت؟» همه با تعجب گفتند: «سبحان الله! کسی که به خدا ناسزا بگوید مشرک است.»

پس پرسید: «کدام فرد از شما داشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله ناسزا می گفت؟» باز گفتند: «این چه حرفی است هر کس رسول ناسزا بگوید کفر ورزیده است.»

پس از آن گفت: «کدام یک شما علی را دشنام می داد؟» گفتند: «این را گفتیم.»

ابن عباس به آنان گفت: گواه باشید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: «هر کس علی را ناسزا گوید به من دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد به خدا ناسزا گفته و هر کس به خدا ناسزا بگوید خدا وی را با صورت در آتش سرنگون خواهد فرمود.» این مطلب را محب الدین طبری در الرياض النضرة، ۱۲۲: ۳، و متقی هندی در کنز العمال ۶۰۲: ۱۱/۳۲۹۰۳ نقل نموده اند.

[۶۲] (۱). الفردوس، ۱۲۳: ۴/۶۳۸۰ و ۲۵۷: ۲/۳۱۹۵؛ کنز العمال/۳۶۴۳۵؛ توضیح الدلائل، ۲۰۸؛ حلیه الاولیاء، ۲۵۱: ۷؛ تاریخ بغداد، ۳۸۷/۷.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «شبی که به معراج برده شدم، مشاهده کردم بر سر در بهشت نگاشته شده: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده پروردگارت و علی حبیب او و حسن و حسین برگزیده اش، و فاطمه، منتخبش، و لعنت حق نثار دشمنانشان.»

تاریخ بغداد، ۲۰۹: ۱؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۳۲۲: ۴؛ المناقب خوارزمی، ۳۰۲/۲۹۷؛ و در مجمع الزوائد، ۱۱/۹ چنین آمده است: خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد فرستاده خدا و علی برادر پیامبر است دو هزار سال قبل از آفریدن آفرینش. [۶۳] (۱). الفردوس، ۱۳۴: ۴/۶۴۱۷.

[۶۴] (۱). الفردوس، ۲۹۴: ۴/۶۸۶۵ و ۶۸۶۶؛ النهایه ابن اثیر ۷۷: ۵ (ماده: نظر). ابن اثیر در این کتاب حدیث را چنین ترجمه کرده است: هر گاه علی در جمع مردم ظاهر می شد مردم شگفت زده می گفتند لا اله الا الله، چه رخسار نیکو و نورانی دارد. و لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دانا است، لا اله الا الله چه مقدار این جوان مرد گرامی و بزرگوار است. یعنی چقدر پروا پیشه است، لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دلاور است، از این رو این دیدار مردم را به زبان راندن کلمه توحید و می داشت.

نیز رجوع کنید به حلیه الاولیاء، ۱۸۳/۲۶ و ۸۵: ۵؛ مجمع الزوائد، ۱۱۹: ۹؛ تاریخ بغداد، ۵۱: ۲ از ابوهریره نقل کرده گفت: دیدم معاذ بن جبل نگاه کردن به رخسار علی بن ابی طالب را ادامه می دهد، در یکی از اوقات به او گفتم: سبب چیست نگاهت را به سیمای علی طولانی می کنی و چنان نگاهش می کنی که گویی تا به حال او را ندیده‌ای؟ او حدیث یاد شده را خواند.

این حدیث را ابن مردویه طبق نقل سیوطی که در اللآلی المصنوعه، ۳۴۵: ۱ آورده، روایت کرده است و حاکم در المستدرک، ۱۴۱: ۳ و خوارزمی در المناقب، ۳۶۱/۳۷۵ ۶۷۳؛ و ابن مغزلی در المناقب: ۲۱۱/۲۵۴ و ۲۴۵/۲۰۶ و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ۱۷۲ و ابن حجر در الاصابه ۴۰۳: ۴ در ترجمه لیلی غفاریه، و ابو نعیم اصفهانی در الحلیه، ۱۸۲: ۲ و ابن کثیر در البدایه و النهایه، ۳۵۸: ۷؛ الصواعق، ۱۰۸ این روایت را کرده که بسیاری از صحابیان نقل کرده اند که برخی از آنها سند نقل را به ۱۲ تن از صحابه منتهی کرده اند. مجمع الزوائد، ۱۱۹: ۹ باب نگاه افکندن به سیمای علی. در این کتاب مؤلف از طلیق بن محمد روایت کرده که گفت: عمران بن حصین را دیدم دقیق به سیمای علی می نگرید در این خصوص از او سؤال شد. گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «نظر به رخسار علی عبادت است.»

[۶۵] (۱). الفردوس، ۳۴۳: ۴/۶۹۹۳؛ کنز العمال، ۳۴۲۹۳؛ زهر الفردوس، ۱۳۴: ۴.

[۶۶] (۱). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام از باعونی شافعی، ۸۸: ۱؛ اخبار اصفهان، از ابو نعیم اصفهانی، ۳۴۱: ۱ حدیث را ابو الخیر طالقانی در باب ۲۶، ح ۳۳ از کتابش الأربعین المنتقی که در مجله وزین تراثنا، ش ۱، ص ۱۱۹ منتشر شده، آورده است.

ابن مغزالی در المناقب، ۱۱۹/۱۵۳ از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز رستاخیز علی علیه السلام مشرف بر حوض کوثر ایستاده است. احدی به بهشت در نیاید جز آنکه پروانه‌ای از علی بن ابی طالب با او باشد.» نیز این مطلب را از انس در حدیث، ۲۸۹ ص ۲۴۲ نقل کرده است.

برای این حدیث منابع فراوانی وجود دارد که آنها را در فرائد السمطين، ۲۸۹: ۱/۲۲۸؛ غایة المرام، ۲۶۲؛ الرياض النضرة، ۱۲۲: ۲؛ ذخائر العقبی، ص ۷۱، می توان دید.

[۶۷] (۱). الفردوس، ۳۱۵: ۵/۸۲۹۹.

ابن عساکر از حبه بن جوین عربی نقل کرده، که گفت: شنیدم علی بن ابی طالب می گوید: نخستین کس هستم که به رسول خدا صلی الله علیه و آله گروید یا با او نماز گزارد تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱/۵۸/۸۵. و مفاد حدیث یاد شده به تواتر ثابت است.

[۶۸] (۱). کنز العمال، ج ۱۳، از طبرانی از مسند رافع بن خدیج، ح ۳۶۴۴۹.

[۶۹] (۱). تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۲۵۹: ۲/۷۸۴.

از سالم غلام حذیفه نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر کرد تا به علی بن ابی طالب این گونه سلام دهیم. «یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته». مناقب سیدنا علی از عینی، چاپ هند، حیدر آباد، ۱۳۵۲ هـ ۱۸. و در صفحه ۶۱ آن از انس نقل روایت شده که انس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای انس! اولین شخصی که از این در بر تو در آید امیر مؤمنان و آقا و سرور مسلمانان و خاتم وصیین است.»

این مطلب را ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲، ص ۷۸۳/۲۵۹ در ضمن حدیثی از انس چنین نقل کرده: «ای انس! نخستین کسی که از این در در آید امیر مؤمنان و پیشوای نامی روسپیدان، و سرور مؤمنان علی است.» نیز رجوع کنید به المناقب خوارزمی، ۳۲۲/۳۲۹.

تفتازانی در شرح المقاصد (۲۵۹: ۵) المبحث الرابع من الفصل الرابع این گونه آورده: قول پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «سَلِّمُوا عَلَیْهِ (یعنی بر علی) بامر المؤمنین.»

[۷۰] (۱). الفردوس، ۳۱۶: ۵/۸۳۰۴؛ کشف الخفاء، ۵۳۷: ۲.

[۷۱] (۱). الفردوس، ۳۱۷: ۵/۸۳۰۵؛ مجمع الزوائد، ۱۳۵: ۹؛ المعجم الصغیر/ ۱۰۱۴ و طبرانی در المعجم الاوسط (۷۱: ۶/۵۱۴۹) از عبدالله بن اجاره بن قیس نقل کرده که گفت: شنیدم علی بر فراز منبر می گفت: «با دستان کوتاه خویش کفار و منافقان را از حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله دور می سازم آنسان که آب دهندگان شتر (ساربانان)، شترهای بیگانه را از حوض هایشان دور می کنند.»

و در المعجم الکبیر (۳۱۹: ۱/۹۴۸) از ابو رافع نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تو و پیروانت بر من در کنار حوض کوثر وارد می شوید در حالی که از آب حوض سیراب گشته‌اید و رخسارتان سفیداست. اما دشمنانت با چهره‌ای کربه و قبیح المنظر و لب تشنه بر من وارد خواهند شد.»

و در المعجم الکبیر: ۳۱۹/۹۴۸ از ابو رافع نقل شده که نبی مکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو و پیروانت در حالی

بر من در کنار حوض در آییند که از آب بهره‌ور شده و سیراب گشته‌اید و رویتان سپید است. اما دشمنانت در حالی بر من وارد آیند که تشنه کام و سیمایشان زشت و بدمنظر است.»

نیز رجوع شود به: مجمع الزوائد، ۱۳۱: ۹/ ۸۳۱۰؛ کنز العمال، ۱۵۷: ۱۳/ ۳۶۸۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۱، ح ۳۲۹؛ جواهر المطالب از باعونی، ۷۵: ۱/ ۲۳۳.

[۷۲] (۱). الفردوس، ۳۱۹: ۵/ ۸۳۱۰؛ تنزیه الشریعه، ۱، ص ۴۱۱.

[۷۳] (۱). مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی، ۹۷: ۱؛ فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ابن عقده، ۲۸/ ۳۲ خوارزمی مانند آن را از عمر بن خطاب نقل کرده است. (المناقب، ۳۲۹/ ۳۴۸).

[۷۴] (۱). مناقب ابن مردویه، ۸۱/ ۶۶؛ الأنباء المستطابه از ابن سید الکل: ۶۴؛ التدوین فی اخبار قزوین، از رافعی، ۳۸۹: ۳.

و از حسین بن علی علیهما السلام نقل است که پدرم (علی بن ابی طالب) در حالی که با دست، یک تار موی او را گرفته بود، این حدیث را برایم ذکر کرد که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که با دست یک تار موی او را گرفت فرمود: «هر کس به یک تار مویت آزار رساند، مرا آزرده است. هر کس مرا آزرده باشد، در حقیقت خدا را آزرده، و هر کس خدا را آزار دهد خدا به حجم زمین و آسمان به او لعنت فرستد.» توضیح الدلائل، شهاب الدین ایجی، ۱۹۳.

[۷۵] (۱). مجمع الزوائد، ۱۱۴: ۹ باب فتح باب فی المسجد.

گفتنی است که حدیث فتح باب و سد ابواب، حدیثی مشهور و ثابت است.

[۷۶] (۱) المعجم الکبیر طبرانی، ج ۲، ح ۲۰۳۶؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ج ۱، ح ۲۰۹؛ جواهر المطالب، ۱، ۱۸۲.

از انس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکتوب براءت از مشرکان مکه را در اختیار ابوبکر گذاشت و او را به طرف مکه اعزام کرد. چندی بعد او را باز خواند و فرمود: «شایسته نیست این نامه را برساند مگر مردی از وابستگان نزدیک من.» آن گاه علی را فرا خواند و نامه یاد شده را به او سپرد تا به مکه ببرد.

الدر المثور، ۲۰۹: ۳؛ فتح القدر ۳۳۴: ۲. و نزدیک به این مضمون در کنز العمال، ۴۲۲: ۲ و از ابن عباس نقل شد، که گفت: «علی حامل علم رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و کلیه نبردها بود.»

جواهر المطالب، ۱۸۹: ۱. نیز نک: الطبقات ابن سعد، ۱۴: ۳.

و از ابن عباس نقل است که گفت: دست علی در نبرد احد، آسیب دید و پرچم از دستش به زمین افتاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بیرق را در دست چپ او بگذارید زیرا او در هر دو جهان پرچمدار من است.»

الریاض النضره، ۱۳۸: ۲؛ جواهر المطالب، ۱۹۰: ۱.

[۷۷] (۱). المعجم الکبیر طبرانی، ج ۲، ح ۲۰۳۷.

و نیز از عمّار نقل است که گفت: من و علی بن ابی طالب در غزوه ذی العشیره با یکدیگر رفیق و همسنگر بودیم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا با دو تن از بدبخت‌ترین مردم شما را آشنا سازم؟»

گفتم: «آری.» فرمود: «(مردک سرخ روی) کودن قوم ثمود همان که ناقه صالح را پی کرد. و ای علی! دومی کسی است که ضربتی بر فرق سر تو می‌زند که تا محاسنت به خون، رنگین می‌شود.»

الجامع الکبیر، ۲۵۵: ۱۶/ ۷۸۶۴؛ کنز العمال، ۱۴۰: ۱۳/ ۳۶۴۴۲؛ مجمع الزوائد، ۱۳۶: ۹ به نقل از ابن سمره.

نیز مراجعه شود: به المناقب خوارزمی ۳۸۷/ ۴۰۲؛ البدايه و النهايه، ۷، ص ۳۲۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۵۱: ۱۴۰۱/ ۲.

[۷۸] (۱). حلیه الاولیاء، ۷۱: ۱؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۲۱۲: ۲/ ۷۱۵؛ مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۰۵/ ۱۴۸ و دراسد الغابة ۱۳: ۴ مانند آن ثبت شده است.

و نزدیک به این مضمون در الفردوس، ۳۱۹: ۵/ ۸۳۱۱ و جمع الجوامع، ۹۶۸: ۱ آمده است. طبرانی در المعجم الاوسط (۸۹۹۰: ۳/ ۲۱۷۸) از عمار بن یاسر نقل کرده که گفت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال تو را به زیوری آراسته است که هیچ یک از بندگان را به زیوری مانند آن، نیاراسته. خداوند متعال دوستی بینوایان و در کنار آنان بودن را مورد علاقه تو قرار داده و تو را به پیشوایی آنان برگزیده که تو به آنان خوشنودی و برایت پیروانی در نظر گرفته که آنان به پیشوایی تو خرسندند. پس خوشا بر آنان که تو را دوست بدارند و تو را می‌پذیرند و وای بر آنهایی که با تو دشمنی ورزند.»

و خوارزمی در المناقب (۱۲۸/ ۱۱۷) از عمر بن عبد العزیز نقل کرده که گفت: «بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان امت آن حضرت کسی را زاهدتر از علی بن ابی طالب سراغ نداریم.»

نیز نک: تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۲۵۲: ۳/ ۱۲۶۹.

و در خصوص مصادیق زهد ایشان نک: همان کتاب، ۲۳۹: ۳/ ۲۵۶ و ۱۴۲/ ۲۳۲ و ۱۲۳۸/ ۲۳۰ و سایر کتاب‌ها.

[۷۹] (۱). المعجم الأوسط الطبرانی، ۱/ ۱۵۲/ ۱۶۲؛ کنوز الحقائق، ۲، ص ۱۷.

[۸۰] (۱). مناقب خوارزمی، ۵۳/ ۱۸؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۸۱: ۲۱/ ۱۱۴. و در کتاب مناقب آل ابی طالب، ۱/ ۲۹۱ از ابوذر نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فرشتگان الهی هفت سال بود که بر من و علی درود نثار می‌کردند قبل از آن که فردی به اسلام گرویده باشد.» و از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اولین مردی که با من نماز گزارد علی بود.»

الفردوس، ۲۷: ۱/ ۳۹؛ کنز العمال، ۳۹۹۲؛ الخصائص نسائی، ۱۶.

و در کتاب اسد الغابة، ۱۸: ۴ از ابو ایوب انصاری نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در حقیقت ملائکه هفت سال بر من و علی درود و صلوات فرستادند زیرا که از مردان جز او همراه من کسی نماز نکرده بود.»

[تعبیر «رجل» در روایت قابل تأمل است گویا از ابتدای اسلام علی تا زمانی که بر او اطلاق رجل شده یعنی پانزده سالگی، غیر از او احدی مسلمان نشده است. نیز نک: شرح سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۵ و ۲۵۸.]

[۸۱] (۱). ترمذی در سنن، ۶۳۶: ۵/ ۷۳۲۰ از ابن عمر روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله میان اصحابش پیمان برادری بست (علی در این موقع تنها ماند) در این لحظه با دیدگان اشک آلود حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: «یا نبی الله! بین ملازمان و همراهانتان پیوند اخوت ایجاد کردی ولی میان من و کسی پیوند برادری برقرار نفرمودی.» حضرت فرمود: «تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی.»

حاکم در مستدرک، ۱۴: ۳ و سیوطی در الجامع الصغیر، ح ۵۵۸۹. و در کتاب مناقب سیدنا علی علیه السلام از زید بن ارقم نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو برادر و رفیق منی.» و در فردوس الاخبار، ۱۵: ۳/ ۴۱۸۲ از آن سرور صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «علی برادر و عموزاده من است.»

ابن عساکر از عباس روایت آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین برادرانم علی، بهترین عموهام حمزه است.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۳۸: ۱ و رجوع شود به مجمع الزوائد، ۹/ ۱۱۱ باب منزلته و مؤاخاته. گفتنی است که حدیث مؤاخات از احادیث مشهور بین فریقین است. و ایجاد پیوند برادری بیش از یک نوبت انجام شده است.

در حدیث دیگر از مسند زید بن ابی اوفی در باب مؤاخات چنین آمده است: وقتی علی علیه السلام از تأخیر پیوند برادری اش شکوه کرد، نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث فرمود [پیمان تو را به عقب نینداختم مگر برای این که

تو را برادر خود کنم. تو برادر منی و نسبت به من چون هارون نسبت به موسایی با این فرق که پس از من پیامبری نخواهد بود و تو برادر و وارث من هستی.»

علی گفت: «از تو چه چیزی به ارث می‌برم یا رسول الله؟»

فرمود: «آنچه را پیامبران پیش از من ارث گذاشتند.»

پرسید: «انبیای پیشین چه چیزی به ارث گذاشتند؟»

فرمود: «کتاب خدا و سنت پیامبرانشان و تو با منی در قصرم در بهشت با دخترم فاطمه و تو برادر و رفیق منی.»

این حدیث را احمد در کتاب مناقب علی آورده. کنز العمال، ۱۰۶: ۱۰۵: ۱۳ ح ۳۶۳۴۵.

می‌گویم: چه قدر شایسته است که دوستدار علی علیه السلام به هنگام ذکر احادیث «پیوند برادری» که روایاتش متواتر است به ترنم

این اشعار که منسوب به امیر مؤمنان علیه السلام است بپردازد. ترجمه اشعار طبق نقل کنز العمال، ۱۱۲: ۱۳ چنین است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله برادر و پدر خانم من است و حمزه سید الشهداء عمویم می‌باشد.»

و جعفر طیار که (در بهشت) بامداد و شامگاه همراه فرشتگان پرواز می‌کند برادر من است.

و فاطمه دخت محمد صلی الله علیه و آله همسر و آرام جان من است که گوشتش با گوشت و خونم در آمیخته است.

و نواده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله (حسنین علیهما السلام) دو فرزند من از فاطمه‌اند، چه کسی از شما را نصیبی همچون نصیب من

هست؟

بر تمام شما در ایمان به خدا و پیامبر پیشتازم در حالی که هنوز خُرد بودم و به مرز بلوغ جسمی نرسیده بودم.

[۸۲] (۱) المواقف فی علم الکلام نوشته ایچی، ۴۰۹ و در ص ۲۵ آن از نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده است.

و از بریده همان طور که در منابع آتی نیز خواهد آمد نقل است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «برای هر پیامبر، وصی و

وارثی بود و علی وصی و وارث من است.»

الفردوس، ۳۳۶: ۳/ ۵۰۹؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۵: ۳/ ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲؛ مناقب خوارزمی، ۷۴/ ۸۴؛ المناقب ابن

مغازلی ۲۳۸/ ۲۰۰؛ فتح الباری، ۱۵۰/ ۸.

و در کتاب مناقب سیدنا علی ۲۹ به نقل از ربیع آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «تو برادر و همراه و وصی

منی.» و از سلمان نقل است: عرض کردم: «ای رسول خدا! برای هر پیامبری وصی‌ای بود، وصی شما کیست؟» حضرت جواب مرا

نداد. روز بعد که مرا دید فرمود: «یا سلمان!» با عجله خود را به حضرت رساندم و عرض کردم: «بلی.»

حضرت فرمود: «می‌دانی وصی موسی که بود؟»

گفتم: «آری، یوشع بن نون.»

پرسید: «چرا او وصی موسی بود؟»

عرض کردم: «چون در آن روزگار داناترین آنان بود.»

فرمود: «وصی و محل راز من و بهتر فردی که پس از خود می‌گذارم که وعده‌های مرا وفا می‌کند و دین مرا می‌پردازد علی بن

ابی طالب است.»

المعجم الکبیر: ۲۲۱/ ۶۰۶۳؛ مجمع الزوائد، ۱۱۳: ۹. و نیز رجوع شود به المناقب خوارزمی، ۶۷/ ۳۸؛ کنز العمال، ۶۱۱: ۱۳/ ۳۲۹۵۶؛

مناقب سیدنا علی، ۳۹.

[۸۳] (۱). المعیار و الموازنه اسکافی، ۱۱۹.

و در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۵۳: ۳/ ۱۱۷۲ از ابو ثابت غلام ابوذر نقل شده که گفت: روزی نزد ام سلمه رفتم

دیدم علی را یاد کرده می‌گریست و می‌گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «علی با حق و حق با علی است و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در قیامت در کنار حوض بر من وارد آیند.»

از عبدالرحمن بن سعید نقل است که گفت: ما به اتفاق گروهی از مهاجران در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب بودیم که علی از آنجا گذشت. پیامبر فرمود: «حق با این است.»

این سخن را هیشمی در مجمع الزوائد، ۲۳۴: ۷ و ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۵۳: ۳ / ۱۱۷۱ نقل کرده‌اند:

و از ابو موسی اشعری نقل است که رسول اعظم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:
«تو با حقی و حق با تو است.»

به روایت جناب عینی در مناقب سیدنا علی، ۲۹ و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ۲۴/۱۸. مانند این کلام از عایشه در کتاب مناقب سیدنا علی، ۱۵، نقل شده است.

و در مجمع الزوائد، ۱۳۴: ۹ هیشمی از ام سلمه نقل کرده که او همواره می‌گفت: «علی بر محور حق بود، هر کسی که از او تابعیت نمود، از حق پیروی نمود و کسی که او را رها ساخت، حق را رها کرد. این میثاقی است که پیش از این گرفته شده است.»
نیز نک: الامامة و السياسة از دینوری، ۷۸: ۱؛ صحیح ترمذی، ۱۳۳: ۵ / ۳۱۱۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۴: ۳؛ مجمع الزوائد، ۲۳۳: ۷.

[۸۴] (۱). مسند ابی یعلی، ۲۸۵: ۱ / ۵۶۱؛ تاریخ بغداد، ۳۹۸: ۱۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۲۱: ۲ / ۸۲۷۸۳۱؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، ۲، ص ۱۱۰۲ / ۶۵۲.

[۸۵] (۱). مسند ابی یعلی، ۳۱۸: ۴ / ۴۵۵۸؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۸۵: ۳ / ۱۳۷۶.

[۸۶] (۱). سنن ترمذی، ۶۴۱: ۵ / ۳۷۷۳۳؛ مسند احمد بن حنبل، ۱۶۸: ۱ / ۵۷۶؛ فضائل الصحابة، ۹۶۴: ۲ / ۱۱۸۵؛ تاریخ بغداد، ۲۸۷: ۱۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۹۵ / ۵۲ و ۹۶؛ اسد الغابة، ۲۹: ۴.

[۸۷] (۱). المعجم الاوسط، ۳۴۸: ۲ / ۲۱۹۱؛ المناقب خوارزمی، ۷۷ / ۵۹؛ مجمع الزوائد، ۱۰ / ۲۴۶.

[۸۸] (۱). تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۰۴: ۲ / ۶۹۵.

و از عمران بن حصین نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «دوستی تو را جز مؤمن بر نمی‌گزینند و جز منافق، دشمنی تو را به دل ندارد.»

المعجم الاوسط طبرانی، ۲۶۴: ۴ / ۴۱۵۱. و از ام سلمه نقل شده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و منافق هرگز دوستدار تو نخواهد شد.» مسند ابن حنبل، ۱۷۶: ۱۰ / ۲۶۵۶۹؛ سنن ترمذی، ۶۳۵: ۵ / ۳۷۱۷؛ البدایة و النهایة، ۳۵۵: ۷؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۰۸: ۲ / ۹۹.

و از ابو سعید خدری نقل شده که گفت: «ما گروه انصار همواره منافقان را به دشمنی آنها نسبت به علی بن ابی طالب می‌شناختیم.»

سنن ترمذی، ۶۳۵: ۵ / ۳۷۱۷؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۲۰: ۲ / ۷۱۸؛ تاریخ الخلفاء، ۲۰۲؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، ۶۳۹: ۲ / ۱۰۸۶.

از ابن مسعود نقل است که گفت: شنیدم نبی مکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «کسی که گمان کرده است به من و آنچه آورده‌ام ایمان آورده در حالی که با علی دشمنی می‌کند، دروغگو و مؤمن نیست.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۱۰: ۲ / ۷۱۲.

نیز مراجعه شود به کتب: صحیح مسلم، ۸۶: ۱ / ۷۸؛ صحیح ترمذی، ۶۴۳: ۵ / ۳۷۳۶؛ سنن ابن ماجه، ۴۲: ۱ / ۱۱۴؛ مسند ابن حنبل، ۸۴:

۱ و ۲۰۴ / ۷۳۱؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، ۵۶۴: ۲ / ۹۴۸؛ سنن نسائی، ۱۱۷ / ۸؛ تاریخ بغداد، ۲۵۵: ۲ و ۱۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۹۱: ۲ / ۶۸۳، و ۶۳: ۱ / ۹۱.

[۸۹] (۱). تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۲۵: ۲ / ۷۳۰.

از محبوب بن ابی الزناد نقل است که گفت: انصار گفتند: ما فرزندان نامشروع را به سبب دشمنی با علی بن ابیطالب داشتند می شناختیم. تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۲۴: ۲ / ۷۲۹ و ۷۲۸؛ و به سند دیگر در ح ۷۳۷.

و از شافعی نقل است که گفت: شنیدم مالک بن انس گفت: «ما میزانی برای شناخت فرزندان نامشروع جز بغض و دشمنی آنان با علی بن ابی طالب در دست نداشتیم.»

مناقب علی بن ابی طالب، ابن مردویه، ۵۷ / ۷۶.

و انس گوید: «پس از جنگ خیبر، عادت چنان شده بود که مرد، فرزند خود را به دوش می گرفت و سر راه علی می ایستاد، چون چشمش به آن حضرت می افتاد صورتش را به سوی علی می نمود و با انگشت به سوی او اشاره می کرد و به فرزند خود می گفت: «فرزندم! آیا این مرد که می آید دوست داری؟» اگر کودک می گفت آری، او را در بر می گرفت و می بوسید، و اگر می گفت: نه، او را بر زمین گذاشته و می گفت: برو به (قوم) مادرت بیبوند. من فرزندی که علی را دوست ندارد نمی خواهم.»

تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۲۴: ۲ / ۸۳۷.

[۹۰] (۱). المعجم، ۸۸: ۳ / ۲۷۴۹؛ حلیه الاولیاء، ۱، ص ۶۳.

زید بن ارقم، گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را راهنمایی کنم بر چیزی که اگر درباره آن پرسش کنید به هلاکت نمی افتید؟ همانا ولی شما خدا است و امامتان علی بن ابی طالب، پس بر این خیرخواهی کنید و تصدیقش نمایید که جبرئیل چنین فرمانی برایم آورد.»

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۹۸: ۳؛ مناقب ابن مردویه، ۱۴۷ / ۱۲۰.

[۹۱] (۱). الدر المنثور ۲۰۳: ۶؛ شواهد التنزیل، ۵۳۴: ۱ / ۵۶۸ و در مناقب ابن مردویه ۹۸ / ۹۹ مردی از ابن عمر تقاضا کرد برایش از علی بن ابی طالب گوید: او گفت: «می خواهی موقعیت و منزلتت را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله بدانی؟ به خانه اش بنگر که وسط خانه های پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده است.»

و نسایی در الخصائص، ۱۰۷ / ۲۰۴ از سعد بن عبیده نقل کرده که گفت: مردی نزد ابن عمر آمد و از او درباره علی پرسش کرد. وی در پاسخ گفت: «درباره علی از من سؤال نکن، به خانه اش بنگر که نسبت به بیوت پیامبر صلی الله علیه و آله چه موقعیتی دارد.»

[۹۲] (۱). حلیه الاولیاء، ۸۶: ۱؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۹۵: ۲ / ۵۹۶؛ کنز العمال، ۶ / ۲۱۷؛ منتخب کنز العمال) چاپ شده در حاشیه المسند، ۹۴۵) و غیر آن مثل فرائد السمطین، کفایه الطالب؛ مسند احمد، مناقب علی علیه السلام و

نک: کتاب دیگر ما به نام امان الأمة من الضلال و الاختلاف و در کنز العمال نیز مانند آن از زیاد بن مطرف، ۶ / ۵۵ نقل شده است.

[۹۳] (۱). تاریخ بغداد، ۱۳۳: ۱ و ۴۳۳: ۸؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۶۶: ۲ / ۸۷۳؛ خصائص علی علیه السلام از

نسایی، ۳۱ / ۸۵.

[۹۴] (۱). شواهد التنزیل، ۴۰۰: ۱ / ۴۲۲.

نیز رجوع کنید: توضیح الدلائل، ۱۶۱؛ تفسیر القرآن قرطبی، ۲۳۶: ۹.

[۹۵] (۱). فضائل الصحابة احمد بن حنبل، ۶۵۴: ۲ / ۱۱۱۳.

و در روایت دیگری فرمود: «سپاس خداوندی را که در بین اهل بیت کسی را قرار داد که به طریقه داود علیه السلام به قضاوت می پردازد.»

مناقب ابن مردویه، ۹۲/۹۰.

نیز رجوع شود: المسند، حمیدی، ۳۴۵: ۲/۷۸۵؛ الجامع الکبیر، ۶۳۶: ۱۵/۴۰۶.

[۹۶] (۱). مسند احمد بن حنبل، ۴۴۶: ۳/۹۷۰۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۶۱: ۳/۴۷۳ و ۴۷۱۴؛ تاریخ بغداد، ۱۳۷: ۷؛ المعجم الکبیر، ۴۰: ۳/۲۶۲۱؛ البدایه و النهایه، ۳۶: ۸.

از زید بن ارقم نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیماری ای که به رحلتش منجر شد با مهربانی رو به سوی علی و فاطمه و حسن و حسین کرد و فرمود: «من در جنگم با کسی که با شما بجنگد، و صلح با کسی که با شما از در آشتی در آید.» تهذیب تاریخ دمشق، ۳۱۹.

نیز رجوع فرمایید به: سنن ترمذی، ۶۹۹: ۵/۳۸۷۰؛ سنن ابن ماجه: ۱۴۵/۵۲. از ابو سعید خدری نقل است که گفت: بعد از ازدواج علی با فاطمه، نبی مکرم صلی الله علیه و آله چهل روز صبحگاهان به در خانه فاطمه می آمد و می فرمود: «من سرا پا جنگم با هر که با شما بجنگد و سرا پا دوستم با فردی که با شما دوستی نماید.» فضائل سیده النساء از ابو حفص عمر بن شاهین، ۲۹. و در کنز العمال از زید بن ارقم نقل است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی و حسن و حسین فرمود: «من در نبرد با کسی که با شما بستیزد و در صلح و آشتی با کسی که با شما در صلح و صفا باشد.»

متقی هندی این روایت را از شماری از کتاب های عامه نقل کرده است: ۶۴۰: ۱۳/۳۷۶۱۸.

[۹۷] (۱). شواهد التنزیل، ۸۹: ۱/۲۰۲.

می گویم: «ایشان نخستین امام از امامان دوازده گانه است و دومین آنها حسن و حسین تا امام دوازدهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد. ائمه دوازده گانه همانان هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در نصوص معتبر به امامتشان تصریح فرموده برای دریافت اطلاع گسترده به کتاب منتخب الاثر، ج ۱، مراجعه فرمایید.»

[۹۸] (۱). ینایع الموده، ۳۳۳: ۲/۹۷۳؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ۶۰: ۱.

[۹۹] (۱). مجمع الزوائد، ۱۰۲: ۹ به نقل از طبرانی.

[۱۰۰] (۱). تاریخ بغداد، ۳۹۲: ۴/۲۲۸۰.

[۱۰۱] (۱). تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۴۴۴: ۲/۹۶۲/۹۶۳؛ کنز العمال، ۶۲۵: ۱۱/۳۳۰۴۵؛ و در الفردوس، ۶۲: ۳/۳۱۷۵

چنین ثبت شده است: «علی بهترین انسان است هر کس در این شک نماید کافر است.»

ابن عساکر از عطاء نقل کرده است که گفت: از عایشه درباره علی علیه السلام پرسیدم، او گفت: «او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر.» در همان منبع (تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۴۸۸: ۲/۹۷۲)

نیز مراجعه شود به موضح اوهام الجمع و التفریق، ۳۹۴: ۱.

کنوز الحقائق، به نقل از ابو یعلی: «علی بهترین بشر است، کسی که در آن شک نماید کافر است» و در کفایه الطالب، اثر گنجی شافعی، ص ۱۱۹ از عطاء نقل است که از عایشه از علی پرسیدم، گفت: ذلک خیرا لبشر لا یشک فیه الا کافر (او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر).

و محدث بزرگ و امین ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی ساکن ری کتابی مستقل در این زمینه دارد به نام (نوادر الاثر فی علی علیه السلام خیر البشر صلوات الله علیه) و در این کتاب نزدیک به هفتاد و پنج طریق برای این حدیث نوشته است.

[۱۰۲] (۱). تاریخ بغداد، ۸۱: ۲؛ المناقب ابن مغزلی، ۱۶/۲۲؛ الفردوس، ۴۱/۹۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ۳/۱۴۷/۴۶۶۲؛

تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۸۲: ۱/۱۱۵. و از عمر نقل شده که گفت من و ابو عبیده و ابوبکر و گروهی از انصار با

یکدیگر بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست بر شانه علی زد و فرمود: «ای علی! تو نخستین گرونده‌ای که ایمان آورد و مسلم نخستی که اسلام را برگزید و تو نسبت به من منزلت هارون نسبت به موسی را داری.»

مراجعه شود به جواهر المطالب اثر باعونی شافعی، ۳۷: ۱.

[۱۰۳] (۱). تفسیر ابن کثیر ۶۸: ۲؛ کنز العمال، ۱۰۳: ۱۲/۱۳؛ ۳۴۱۹۵؛ و ۶۳۹: ۱۳/۱۳؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ۱۴۱/۶۷، سیوطی در مسند علی بن ابی طالب علیه السلام، ۳۵۰: ۱، مسند فاطمه سلام الله علیه، ۶۹؛ الجامع الکبیر ۳۰۵: ۱۶/۸۰۷۰ حدیث را روایت کرده. المناقب ابن مغزلی، ۲۴۷/۲۹۵.

[۱۰۴] (۱). المستدرک، ۱۲۱: ۳. حاکم نیشابوری می گوید: «این حدیث، سندش صحیح است و نویسنده کنز العمال از ابوذر چنین نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از تو جدا شود، از من جدا شده و هر کس از من جدا شود در حقیقت از خدا جدا شده است.» ۱۵۶: ۶۰.

[۱۰۵] (۱). کنز العمال ۱۳، ح ۳۶۵۹۵ به نقل از ابن جریر. نیز رجوع فرمایید به ح ۳۶۴۹۳ و ۳۶۴۹۶.

می گویم: «این احادیث از روایات متواتر و قطعی الصدور است.»

[۱۰۶] (۱). شواهد التنزیل، ۵۲: ۲/۶۷۲؛ نیز رجوع فرمایید به المناقب ابن مغزلی، ۳۰۲/۳۴۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۸۸: ۳/۴۸۰۲؛ المناقب خوارزمی، ۶۳/۳۲؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، ۵۷۷: ۲/۹۷۸؛ مسند ابن حنبل، ۴۵: ۶/۱۶۹۸۵؛ المصنف از ابن ابی شیبیه، ۵۰۱: ۷/۴۰. سنن ترمذی، ۶۶۳: ۵/۳۷۸۷ و غیر آنها.

احادیث این باب بسیار و در حد تواتر می باشد و در غیر مصادر یاد شده در مجامع روایی و تفاسیر و کتب تاریخی نقل شده است.

[۱۰۷] (۱). المعجم الکبیر، ۱۳۴: ۲۴/۳۱۲، و ۴۱۲: ۲۲/۱۰۲۲؛ المصنف از عبدالرزاق، ۴۷۹: ۵/۹۷۸۲.

[۱۰۸] (۱). ظاهراً متشکل از هفت طایفه بوده اند.

[۱۰۹] (۱). المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۳: ۳/۴۶۵۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۷۰۸: ۱/۳۰۶۲؛ خصائص الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ۷۰/۲۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۸۵: ۱/۲۵۰.

[۱۱۰] (۱). صحیح مسلم، ۱۸۷۱: ۴/۳۲؛ سنن ترمذی، ۲۲۵: ۵/۲۹۹۹؛ مسند ابن حنبل، ۳۹۱: ۱/۱۶۰۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۶۳: ۳/۴۷۱۹؛ السنن الکبری، ۱۰۱: ۷/۱۳۳۹۲؛ الدر المنثور، ۲۳۳: ۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۰۷: ۱/۲۷۱.

این حدیث از احادیث متواتر است.

[۱۱۱] (۱). الحاقه: ۱۲. و گوش های شنوا آن را نگهداری می کنند.

[۱۱۲] (۲). حلیه الاولیاء، ۶۷: ۱؛ کنز العمال ۴۰۸: ۶/۶۱۶ و مانند آن در تفسیر طبری، ۲۹/۳۵. نیز الدر المنثور، در تفسیر آیه ۱۲ الحاقه؛ اسباب النزول واحدی، ۳۲۹؛ المناقب ابن مغزلی، ص ۲۶۵، ح ۳۱۲ و ص ۳۱۹، ح ۳۶۴ و باب النقول، ۲۲۵. و رجوع شود به کشف و روح المعانی ۹: ۴۳، مجمع الزوائد، ۱۳۱: ۱؛ کنز العمال، ۳۹۸: ۶، ۴۰۸. برای دریافت اطلاع بیشتر نک: شواهد التنزیل

[۱۱۳] (۱). الصواعق المحرقة، ص ۱۲۴. و در روایت دیگری که حاکم نیشابوری آن را به شرط شیخین صحیح دانسته مانند این روایت نقل شده است که در آن بعد از آن پیامبر فرموده: «اهل بیتی عترتی» سپس فرمود: «آیا می دانید من نسبت به مؤمنان از خود آنها شایسته ترم؟» و این سخن را سه بار تکرار کرد

گفتند: «آری.»

فرمود: «هر کس را که من اولای به نفس و مولایم علی مولای او است.» المستدرک، ۱۰۹: ۳.

و آنچه نسایی از زید بن ارقم صحابی نقل کرده این گونه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا مولا و سرپرست

من است و من اولای به نفس و مولای هر مؤمنم. آن گاه دست علی را در دست گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای او بودم این ولی اوست. خداوندا کسی که پذیرای ولایت علی شد دوست بدار و با هر که با او خصومت داشت دشمن باش.»
خصائص امیر المؤمنین علیه السلام از نسایی، ص ۲۱.

[۱۱۴] (۱). مناقب سیدنا علی علیه السلام، ۲۸ به نقل از ابن مردویه. مناقب ابن مردویه، ۱۱۱/۱۲۹.

[۱۱۵] (۱). اساس البلاغه از زمخشری، ۱۵۵ و مانندش در ربیع الابرار در باب خیر و صلاح و ذکر اخبار صلحا ثبت شده است و در نظم درر السمطین، ص ۲۴۳ در حدیثی چنین است و امت خود را به چنگ زدن به اهل بیتش سفارش نمود، و توضیح داد که خاندانش دامن پیامبرشان را (در رستاخیز) خواهند گرفت و ...

[۱۱۶] (۱). کنز العمال، ح ۳۶۴۳۸، ص ۱۳۹، ح ۱۳ به نقل از طبرانی. و ابن مغزلی در المناقب، ۱۶۴/۱۲۵ از جابر نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ طائف با علی در گوشی سخن گفت و این گفتگو به درازا کشید. یکی از آن دو مرد گفت: «جدّ اراز گویی درازی با پسر عمّش داشت.»

این کلام به آن حضرت رسید فرمود: «من با او راز نگفتم بلکه خدا بود که با او راز گفت.»

و مانند این از انس نقل شده است. مناقب سیدنا علی علیه السلام، ۳۴. نیز مراجعه فرمایید به سنن ترمذی، ۵/۶۳۹.

[۱۱۷] (۱). الجامع الصغیر، ج ۲، ۱۶۰ به نقل از المستدرک (به طور صحیح). و در همان اثر ص ۱۷۳، ح ۲ چنین ثبت است: «هر که به علی ناسزا گوید به من ناسزا گفته و هر که به من ناسزا گوید در حقیقت به خدا ناسزا گفته است.» از احمد در المسند و حاکم نیشابوری در المستدرک (به طور صحیح). و در کتاب کنوز الحقائق، ج ۲، ص ۱۹۳ به نقل از طبرانی چنین آمده است. «یا علی، محب تو دوستدار من است و دشمن دشمن من خواهد بود.»

[۱۱۸] (۱). مناقب سیدنا علی علیه السلام، ۴۹؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۸۰: ۲/۸۱۱؛ ذخائر العقبی ۹۳ به نقل از ابی حمراء؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۶۸/۹.

[۱۱۹] (۱). مطابق روایاتی که از طریق شیعه رسیده‌اند این ندا در غزوه احد بلند شد که شمشیر علی علیه السلام شکست و جبرئیل ذوالفقار را آورد و این ندا را هم سر داد.

[۱۲۰] (۲). المناقب خوارزمی، ۱۶۷/۲۰۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۵۸۱۹۷: ۱.

و ابن هشام در السیره النبویه، ۱۰۰: ۲، ابن جوزی در تذکره الخواص، ۳۰. در این اثر روایت است که حسان بن ثابت (شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله) از حضرت، اجازه خواست در این خصوص شعری بسراید. ایشان اجازه فرمود و اشعاری سرود که ترجمه آن چنین است: «جبرئیل آشک--ارن--دا داد، در حالی که خودش دیده نمی‌شد؛ و مسلمانان حلقه زده بودند، به گرد پیامبر فرستاده؛ شمشیری جز ذوالفقار، و جوان مردی جز علی نیست»

[۱۲۱] (۱). در تاریخ بغداد، به جای «رحمت»، «جنت» آمده است

[۱۲۲] (۲). حلیه الاولیاء، ۶۶: ۱؛ المناقب خوارزمی، ۳۱۱/۳۱۱.

نیز مراجعه شود به مناقب سیدنا علی علیه السلام، ص ۶۲.

[۱۲۳] (۱). المناقب خوارزمی، ۱۷۷/۲۱۵؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح ۵۵۹۱.

حاکم در المستدرک، ۱۲۹: ۳ از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که بازوی علی بن ابی طالب را گرفته بود با صدای بلند فرمود: «این علی امیر ابرار، گشونده فاجران است؛ کسی که به یاری اش برخیزد پیروز و کسی که او را خوار کند خوار خواهد شد.»

و در الجامع الصغیر، ۶۶: ۲ آمده است: «علی امام ابرار، قاتل تبهکاران است؛ کسی که به او کمک کند یاری می‌شود و هر کس او

را سرافکنده کند، سرافکنده خواهد شد.» به نقل از حاکم (به عنوان حدیث حسن)

[۱۲۴] (۱). مناقب سید نا علی، ۲۵؛ مجمع الزوائد، ۹/ ۱۳۱؛ کنز العمال، ۱۵۶: ۱۳/ ۳۶۴۸۳.

[۱۲۵] (۱). تاریخ بغداد، ۳۱۷: ۳۱۶: ۱ ح ۲۰۶. خطیب بغدادی این حدیث را از منصور از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن عبدالله از پدرش عبدالله بن عباس و از جابر این گونه روایت کرده است: «خداوند ذریه هر پیامبری را در پشت همان پیامبر قرار داد و ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب نهاده است.» الفردوس، ۱۷۲: ۱/ ۶۴۳؛ کنز العمال، ۳۲۸۹۲؛ امالی شجری، ۱۵۲: ۱.

﴿E﴾***Y] سپاس بی کران خدای یگانه را که توفیق ترجمه این اثر ارزشمند را به بنده ناچیز ارزانی داشت.

امید آن که خداوند به ما توفیق دهد که در مسیر زندگی خود همواره پیرو خاندان رسالت باشیم و آنان را اسوه و الگویی شایسته برای خود بدانیم.

آل النبی ذریعتی و هم الیه وسیلتی

ارجوا بهم اعطی غداً بیدی الیمین صحیفتی (ینایع الموده، ص ۳۰۷)

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دست آویز من هستند و آنان وسیله (تقرّب) من به خدا هستند.

آرزو می‌کنم به خاطر آنها، فردای قیامت نامه عملم را به دست راستم بدهند. بفضل و کرمه

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

